



نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۲۴

صفحات: ۹۲-۷۳

10.52547/mmi.707.2

حفاظت و توسعهٔ جامعه مینا؛ به سوی برنامه‌ریزی مشارکتی در مدیریت میراث شهری

حمید سلیمی* سمیه فدائی‌نژاد**

چکیده

رویکرد حفاظت و توسعهٔ یکپارچه هر چند مفهومی جامع را به خود اختصاص می‌دهد اما همچنان در معرض چالش‌های دوگانهٔ "حفاظت" و "توسعه" قرار دارد که خود نشان‌دهندهٔ ضعف‌های ساختاری در این رویکرد است. از مهم‌ترین این ضعف‌ها، نادیده انگاشتن جوامع در مدیریت تغییرات ناشی از حفاظت و توسعه و توانایی جامعه، به خصوص جامعهٔ محلی در یکپارچه‌سازی حفاظت و توسعه است. این پژوهش سعی دارد با معرفی رویکرد نوین حفاظت و توسعهٔ جامعه مینا، به تعادل بخشی حفاظت و توسعهٔ میراث شهری با تأکید بر برنامه‌ریزی مشارکتی بپردازد. از این رو، هدف اصلی پژوهش دستیابی به چارچوب مفهومی حفاظت و توسعهٔ جامعه مینا بوده و نیل به آن مستلزم پاسخ‌دهی به این پرسش‌ها است که اصول و مؤلفه‌های تأثیرگذار در رویکردهای "حفاظت و توسعهٔ یکپارچه" و "مشارکت اجتماعی" چیست؟ و هم‌پیوندی آن‌ها چگونه می‌تواند مبنای ایجاد رویکردی واحد در مدیریت میراث شهری باشد؟ با توجه به پرسش‌های مطرح‌شده، این مقاله روش کیفی را اتخاذ کرده و بر مبنای پژوهش‌ها و نظریات پیشین ساختار یافته است. سازمان‌دهی مطالعات پیشین و ارائه آن‌ها در قالب چارچوب مفهومی، از طریق راهبرد استدلال منطقی و با هم‌پیوندی مؤلفه‌های شناسایی شده از سه متغیر "حفاظت و توسعهٔ یکپارچه"، "برنامه‌ریزی مشارکتی" و "حفاظت مشارکتی" بوده است. دستاورد این پژوهش، ارائه چارچوب حفاظت و توسعهٔ جامعه مینا بوده که دربرگیرندهٔ معیارهای مشارکت جوامع است و ذیل چهار اصل حفاظت و توسعهٔ یکپارچه تدوین شده است. بر این اساس، اصول این چارچوب مستلزم: ۱- شناخت ارزش و اهمیت معنایی میراث از طریق بازتعریف ویژگی‌ها، توانمندسازی مردم محلی و با تأکید بر دانش غیرتخصصی؛ ۲- پایبندی به اصول مدیریت شهرهای تاریخی از طریق اطمینان از تحقق‌پذیری، نظارت محلی و افزایش مسئولیت‌پذیری در مدیریت شهری؛ ۳- پایبندی به اهداف توسعهٔ پایدار از طریق کاهش نابرابری‌های توسعهٔ اجتماعی، ارتقای تعاملات اجتماعی و بازگرداندن سرزندگی به بافت شهری تاریخی؛ ۴- برطرف‌سازی تعارضات حفاظت و توسعه از طریق ایجاد گفت‌وگو میان ذی‌نفعان، متعادل‌سازی سیاست‌ها در چارچوب تصمیم‌گیری و یکپارچه‌سازی حفاظت و توسعه متناسب با نیازها، مسائل و مشکلات جامعه خواهد بود.

واژگان کلیدی: حفاظت و توسعهٔ جامعه مینا، برنامه‌ریزی مشارکتی، مدیریت میراث شهری، حفاظت و توسعهٔ مشارکتی، حفاظت و توسعهٔ یکپارچه.

* دانشجوی دکتری، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران.

** دانشیار، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران (نویسنده مسئول).

مقدمه

از اواسط دهه ۱۹۸۰، مفاهیم جنبش‌های توانمندسازی و مشارکت اجتماعی در مدیریت میراث شهری به‌طور گسترده پذیرفته شد (Xu, 2007: 45). حفاظت و مدیریت میراث از ابتدای قرن بیستم به‌عنوان یک حوزه علمی مورد تأیید قرار گرفته است. اخیراً رویکرد مردم‌محور برای مدیریت میراث و تداوم فرهنگی آن در ارتباط با جوامع محلی، اولویت‌بندی نیازها، علایق، رویاها و ارزش‌های ساکنان در حال توسعه است (Li, 2021, p. 9); (Wijesuriya & Thompson, 2017: 36-38). علاوه بر آن، ویژگی‌های سبک زندگی سنتی جزء جدایی‌ناپذیر تجلی ارزش‌ها و اهمیت میراث در نظر گرفته می‌شوند. از این‌رو، جوامع محلی باید در مرحله مشاوره اولیه برای کمک به شناسایی ویژگی‌ها، ارزش‌ها و اهمیت میراث و همچنین مسائل اجتماعی محلی شرکت کنند (Bruku, 2015: 72). این موضوع در توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی ۲۰۱۱ به‌طور جدی تری مطرح شده است و مشارکت جامعه به‌عنوان یک ابزار محوری برای شیوه‌های مدیریت میراث فرهنگی شناخته می‌شود (J. Li, 2021: 9). علاوه بر این، دستورالعمل‌های عملیاتی برای اجرای کنوانسیون میراث جهانی یونسکو بر اهمیت مشارکت انواع نقش‌آفرینان در شناسایی و حفاظت از میراث، به‌عنوان یک سیاست راهبردی جهانی تأکید کرده است (Bruku, 2015: 72). این دستورالعمل‌ها تلاش می‌کنند اطمینان حاصل کنند که نیازهای جوامع محلی نیز در تصمیم‌گیری در نظر گرفته می‌شوند (Schmidt, 2014: 40). هنگامی که مشارکت جامعه برای حفاظت میراث شهری ترویج می‌شود، مفهوم آن به این صورت تعریف می‌شود که «گروه‌هایی از افراد وابسته به نزدیکی جغرافیایی دارای علاقه خاص یا موقعیت‌های مشابه» می‌توانند به‌طور مشترک برای بحث درباره موضوعات و ایده‌های مربوط به مدیریت میراث محلی کار کنند (Simakole et al., 2019: 230); (Li, 2021, p. 26). بنابراین، این جوامع افرادی هستند که برای میراث محلی ارزش قائل بوده و مایل به حفظ و انتقال آن به نسل‌های آینده هستند (Zhong & Leung, 2019: 1620). اهمیت بستر اجتماعی در مدیریت میراث شهری نشان می‌دهد که چارچوب‌های تصمیم‌گیری مشارکتی بیشتری برای مدیریت یکپارچه میراث شهری به‌منظور حل و فصل همه مناقشاتی که در بحبوحه تلاش‌های حفاظت و توسعه به وجود می‌آیند، مورد نیاز است (Liu et al., 2022: 2). چراکه فرایندهای مشارکتی به یکی از پرکاربردترین سازوکارها برای طراحی، اجرا و مدیریت اهداف توسعه در چهار دهه

اخیر تبدیل شده‌اند و علاوه بر حفاظت از میراث، بهبود زندگی روزمره جامعه و توسعه اجتماعی - اقتصادی محلی نیز به برنامه‌های مدیریت میراث فرهنگی اضافه شده‌اند (Li, 2021: 10); (Poulios, 2014: 18-22); (Wijesuriya & Thompson, 2017: 38). به همین دلیل رویکردی کل‌نگر نظیر "حفاظت و توسعه جامعه‌مبنا" می‌تواند منعکس‌کننده الزامات حفاظت و توسعه یکپارچه میراث شهری ضمن مدنظر قرار دادن جایگاه گروه‌های اجتماعی باشد. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف تدوین چارچوب مفهومی این رویکرد، سعی می‌کند به ارتباطدهی میان مشارکت جامعه در فرایند حفاظت و توسعه یکپارچه میراث شهری بپردازد. تدوین چارچوب مفهومی این پژوهش نیازمند پاسخ به این سؤالات است:

اهمیت بستر اجتماعی در مدیریت میراث شهری نشان می‌دهد که چارچوب‌های تصمیم‌گیری مشارکتی بیشتری برای مدیریت یکپارچه میراث شهری به‌منظور حل و فصل همه مناقشاتی که در بحبوحه تلاش‌های حفاظت و توسعه به وجود می‌آیند، مورد نیاز است (Liu et al., 2022: 2). چراکه فرایندهای مشارکتی به یکی از پرکاربردترین سازوکارها برای طراحی، اجرا و مدیریت اهداف توسعه در چهار دهه اخیر تبدیل شده‌اند و علاوه بر حفاظت از میراث، بهبود زندگی روزمره جامعه و توسعه اجتماعی - اقتصادی محلی نیز به برنامه‌های مدیریت میراث فرهنگی اضافه شده‌اند (Li, 2021: 10); (Poulios, 2014: 18-22); (Wijesuriya & Thompson, 2017: 38). به همین دلیل رویکردی کل‌نگر نظیر "حفاظت و توسعه جامعه‌مبنا" می‌تواند منعکس‌کننده الزامات حفاظت و توسعه یکپارچه میراث شهری ضمن مدنظر قرار دادن جایگاه گروه‌های اجتماعی باشد. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف تدوین چارچوب مفهومی این رویکرد، سعی می‌کند به ارتباطدهی میان مشارکت جامعه در فرایند حفاظت و توسعه یکپارچه میراث شهری بپردازد. تدوین چارچوب مفهومی این پژوهش نیازمند پاسخ به این سؤالات است:

- اصول و مؤلفه‌های تأثیرگذار در رویکرد های "حفاظت و توسعه یکپارچه" و "مشارکت اجتماعی" دربردارنده چه مواردی است؟
- هم‌پیوندی آن‌ها چگونه می‌تواند مبنای ایجاد رویکردی واحد در مدیریت میراث شهری باشد؟
- در راستای پاسخ به این سؤالات، بدنه اصلی مقاله در سه بخش ساختار می‌یابد. در بخش اول، مفاهیم و سیاست‌های حفاظت و توسعه یکپارچه میراث شهری مورد واکاوی قرار می‌گیرد و اصول آن به‌عنوان مبنای چارچوب مفهومی پژوهش شناخته می‌شود. در بخش‌های دوم و سوم به‌منظور شناسایی

مشارکت جامعه در یکپارچه‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های حفاظت و توسعه کمتر توجه شده است. لذا در این پژوهش سعی شده است تا مشارکت اجتماعی به‌عنوان معیاری در نظر گرفته شود که اتخاذ آن در مدیریت میراث شهری از تعارضات منافع جلوگیری می‌کند و منجر به تعادل بخشی حفاظت و توسعه شود. از این‌رو، شناسایی و هم‌پیوندی مؤلفه‌های تأثیرگذار و مشترک میان متغیرهای پژوهش، منجر به کاربست رویکرد های "حفاظت و توسعه یکپارچه" و "مشارکت اجتماعی" و تدوین آن‌ها در قالب رویکرد "حفاظت و توسعه جامعه‌مبنا" خواهد شد.

روش پژوهش

این مقاله درصدد ارائه یک چارچوب مفهومی است که از طریق پژوهشی توصیفی-تحلیلی با روش کیفی حاصل می‌شود. گردآوری داده‌های این پژوهش از نوع مطالعات اسنادی و متکی بر پژوهش‌های پیشین صورت گرفته که ساختار آن بر مبنای سه متغیر "حفاظت و توسعه یکپارچه"، "برنامه‌ریزی مشارکتی" و "حفاظت مشارکتی" می‌باشد. هم‌راه با جست‌وجوی پژوهش‌های مرتبط، ترکیبی از کلیدواژه‌های "مشارکت + برنامه‌ریزی شهری"، "مشارکت + حفاظت میراث شهری" و "مشارکت + حفاظت و توسعه یکپارچه" به کار گرفته شده‌اند. سپس، با استفاده از راهبرد استدلال منطقی و تکنیک تحلیل محتوا، اصول و مؤلفه‌های تأثیرگذار در هر یک از متغیرها شناسایی و با یکدیگر هم‌پیوند گشته‌اند. از طریق هم‌پیوندی این مؤلفه‌ها و بر جسته کردن مؤلفه‌های مشترک بین متغیرها، ارکان اصلی چارچوب مفهومی حفاظت و توسعه جامعه‌مبنا شناسایی و در ارتباط با یکدیگر ارائه شده‌اند. نمودار شکل ۱، ساختار پژوهشی مقاله و فرایند دستیابی به چارچوب مفهومی را نمایش می‌دهد.

حفاظت و توسعه یکپارچه میراث شهری

شهرهای تاریخی با ساختارهای پیچیده خود قادر به انطباق با زندگی پرشتاب امروزی نیستند و به تدریج جذابیت اجتماعی و اقتصادی خود را برای مردم از دست می‌دهند (Mirzakhani et al., 2021a: 3). توانایی این شهرها برای یکپارچه ساختن حفاظت از منابع شهری و نظارت بر اثرات توسعه، بارها مورد بحث قرار گرفته که در نتیجه آن، نقش تأثیرگذار حفاظت از میراث فرهنگی برای توسعه شهرها و جوامع ساکن آن ثابت شده است (Guzmán et al., 2017, p. 192). به بیان دیگر، مدیریت حفاظت از میراث به‌صورت مجزا تا ادغام منابع میراث در توسعه شهری پایدار در حال گسترده شدن است (al., 2021).

مؤلفه‌ها و معیارهای تأثیرگذار چارچوب مفهومی، مقوله مشارکت جامعه در دو حوزه ادبیات موضوعی "برنامه‌ریزی مشارکتی-مشارکت در برنامه‌ریزی شهری" و "حفاظت مشارکتی-مشارکت در حفاظت میراث شهری" مورد تبیین قرار می‌گیرند.

پیشینه پژوهش

تابه حال پژوهش‌های متعددی به اهمیت مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری و مدیریت میراث شهری پرداخته‌اند (Guzmán et al., 2017); (J. Li et al., 2020); (Veldpaus & Pereira Roders, 2013). ضرورت این موضوع، در معرض خطر بودن شهرهای تاریخی در مواجهه با توسعه شهری است که از طریق رویکردهای مشارکتی، بهتر می‌توان با این مشکلات کنار آمد (J. Li et al., 2020: 195). این مسئله به‌مراتب در پژوهش‌های اخیر به‌طور جدی‌تری مورد بحث قرار گرفته و نتایج آن‌ها، ضرورت و اهمیت موضوع را نمایان ساخته است. برای مثال، بایالا و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که روابط قدرت، قواعد فرهنگی و سنتی و همچنین میزان دانش و آگاهی، بر فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی تأثیر می‌گذارد (Bayala et al., 2023: 20-23). فروغی و همکاران (۲۰۲۳) تأیید می‌کنند که برنامه‌ریزی شهری در مقایسه با برنامه‌ریزی میراث شهری، روش‌ها و ابزارهای متنوع‌تری را برای مشارکت عمومی به کار گرفته است و می‌تواند الهام‌بخش برنامه‌ریزی میراث شهری باشد. لذا با پیشنهاد چارچوبی، عوامل مشارکت در برنامه‌ریزی شهری و عوامل مشارکت در برنامه‌ریزی میراث شهری را باهم ادغام می‌کنند و روابط آن‌ها را نشان می‌دهند (Foroughi et al., 2023: 3). آفتابی و فدائی‌نژاد بهرام‌جردی (۲۰۲۳)، شناسایی اولویت‌های تصمیم‌گیری، رفع ناسازگاری‌های بین سیاست‌ها و خواسته‌های ذی‌نفعان را در فرایند تصمیم‌گیری مشارکتی ضروری دانسته‌اند (Aftabi & Fadaei Nezhad Bahramjerdi, 2023: 1). کماه و همکاران (۲۰۲۳) اظهار دارند که تعارضات ناشی از برنامه‌ریزی کاربری زمین با به‌کارگیری رویکرد مشارکتی قابل حل‌وفصل است و توصیه می‌کنند که مقامات تصمیم‌گیرنده، برنامه‌ریزی مشارکتی کاربری زمین را در فرایند تصمیم‌گیری خود اتخاذ نمایند (Kaamah et al., 2023: 278). لی و همکاران (۲۰۲۰) نیز کارگاه‌های مشارکتی را به‌عنوان ترکیبی از روش‌های بالا به پایین و پایین به بالا، الگویی مفید برای مشارکت جامعه در بازآفرینی شهری در نظر می‌گیرند ((جدول ۱).

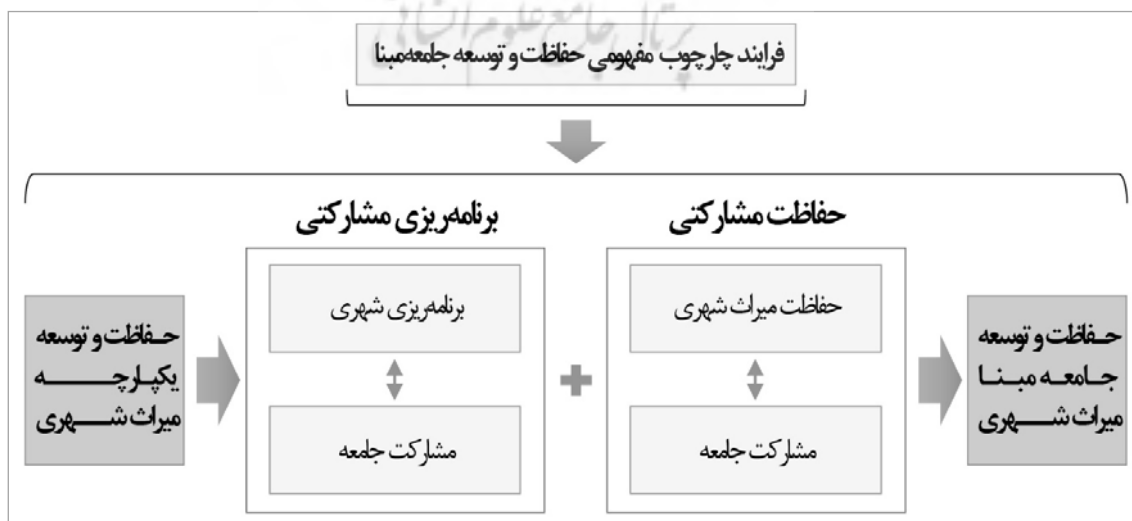
باوجود تحقیقات متعدد پژوهشی در حوزه برنامه‌ریزی مشارکتی و تأثیر آن بر حفاظت میراث شهری، به قابلیت

جدول ۱. پیشینه موضوع در پژوهش‌های اخیر و بررسی نتایج آن‌ها

پژوهشگران	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
Bayala et al., 2023	استفاده از سناریوسازی و نقشه‌نگاری مشارکتی برای مذاکره در حفاظت و توسعه شمال غنا	براساس این پژوهش، روابط قدرت، قواعد فرهنگی و سنتی و میزان دانش و آگاهی، بر فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی تأثیر می‌گذارند. همچنین نقشه‌نگاری مشارکتی به‌عنوان ابزاری مفید در این فرایند معرفی می‌شود.
Foroughi et al., 2023, p.	مشارکت عمومی و ایجاد اجماع در برنامه‌ریزی شهری از دریچه برنامه‌ریزی میراث: مرور ادبیات سیستماتیک	ادبیات موضوعی این مقاله تأیید می‌کند که برنامه‌ریزی شهری در مقایسه با برنامه‌ریزی میراث شهری، روش‌ها و ابزارهای متنوع‌تری را برای مشارکت عمومی به کار گرفته است و می‌تواند الهام‌بخش برنامه‌ریزی میراث شهری باشد. لذا با پیشنهاد چارچوبی، عوامل مشارکت در برنامه‌ریزی شهری و عوامل مشارکت در برنامه‌ریزی میراث شهری را باهم ادغام می‌کند و روابط آن‌ها را نشان می‌دهد.
Aftabi & Fadaei Nezhad Bahramjerdi, 2023	تدوین چارچوب تصمیم‌گیری در مدیریت شهرهای تاریخی: به‌سوی حفاظت و توسعه یکپارچه محله رودکی	نتایج این پژوهش نشان می‌دهد درحالی‌که رویکردهای تصمیم‌گیری مشارکتی و تکنیک‌های مدیریت یکپارچه می‌توانند برای مدیریت میراث شهری مفید باشند، شناسایی اولویت‌های تصمیم‌گیری، رفع ناسازگاری‌های بین سیاست‌ها و خواسته‌های ذی‌نفعان ضروری است. بر این اساس، این رویه منافع متضاد را متحد، اجرای صحیح استراتژی‌های مدیریت یکپارچه را تسهیل، و حفاظت طولانی‌مدت شهرهای تاریخی را تضمین می‌کند.
Kaamah et al., 2023	سیاست و تمرین: رضایت ذی‌نفعان از برنامه‌ریزی مرسوم و مشارکتی کاربری زمین در غنا	طبق این پژوهش، برنامه‌ریزی کاربری زمین به‌دلیل منافع متضاد افراد بر زمین، ابزاری جدایی‌ناپذیر برای هدایت رشد و توسعه سکونت‌گاه‌های انسانی است. این تحقیق توصیه می‌کند مقامات تصمیم‌گیرنده، برنامه‌ریزی مشارکتی کاربری زمین را اتخاذ کنند و ارتباطات را در فرایندها برای مشارکت فعال، بهبود بخشند.
Pintossi et al., 2023	استفاده مجدد تطبیقی میراث فرهنگی در سالرنو: چالش‌ها و راه‌حل‌ها	این تحقیق به‌واسطه تحلیل کارگاه‌های مشارکتی، مروری بر چالش‌ها و راه‌حل‌های احتمالی برای ذی‌نفعان آینده‌نگر را در استفاده مجدد سازگاران از میراث فرهنگی پیشنهاد می‌دهد و به فعالیت‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری آینده در راستای توسعه پایدار بیشتر در محیط ساخته‌شده می‌پردازد.
Chahardowli & Sajadzadeh, 2022	مدل توسعه استراتژیک برای بازآفرینی هسته‌های تاریخی شهری: مطالعه موردی بافت تاریخی شهر همدان	بنابر نتایج این پژوهش، از منظر فرهنگی اجتماعی، رویکرد اقتصادی مبتنی بر گردشگری می‌تواند مشارکت اجتماعی، احساس تعلق و خودانگیزگی اجتماعی را برای بازآفرینی بهتر هسته تاریخی شهرها بهبود بخشد.
Wang et al., 2021	تصمیم‌گیری مشارکتی برای بازآفرینی شهری: بررسی ادبیات موضوعی و تحلیل کتاب‌سنجی	این پژوهش مروری، به‌دنبال بررسی انتقادی برای شناسایی محدودیت‌های تحقیقات فعلی و جهت‌گیری‌های تحقیقاتی آتی، به‌عنوان یک نقشه راه برای محققانی که بر تصمیم‌گیری مشارکتی در بازآفرینی شهری تمرکز دارند، حائز اهمیت است. در این زمینه می‌تواند به تدوین سیاست‌های مناسب و توسعه ابزارهای تصمیم‌گیری کمک کند.
Li et al., 2020 countries.	کارگاه مشارکتی و مشارکت جامعه: رویکردی جدید برای بازسازی شهری در چین	نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کارگاه مشارکتی به‌عنوان ترکیبی از روش‌های بالا به پایین و پایین به بالا، الگویی مفید برای مشارکت جامعه در بازآفرینی شهری است که همکاری دولت و مردم را از طریق مشورت و مذاکره ارتقا می‌دهد.
Guzmán et al., 2017	سنجش پیوندهای بین مدیریت میراث فرهنگی و توسعه شهری پایدار: مروری بر ابزارهای نظارت جهانی	نتایج این پژوهش درخصوص حفاظت و توسعه نشان می‌دهد که مفهوم‌سازی کامل‌تر و هم‌بستگی واضح‌تر بین مدیریت میراث فرهنگی با پدیده‌های شهری گسترده‌تر هنوز ایجاد نشده است. بنابراین، ابزارهای کارآمدتر و روش‌شناسی مناسب‌تر برای هم‌بستگی حفاظت از میراث فرهنگی به‌عنوان یک منبع شهری هنوز وجود ندارد.

(Chahardowli & Sajadzadeh, 2022:8); (Guzmán et al., 2017:194). مناطق شهری به دلیل فشارهای مهاجرت و رشد سریع جمعیت شهری دائماً در حال تغییر هستند. در نتیجه، مکان‌های تاریخی و فرهنگی مهم در معرض خطر فزاینده تخریب قرار دارند و این امر بر انتقال پایداری شهری از نظر فرهنگی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، یک چارچوب مدیریت حفاظت چندبُعدی با رویکردهای جدید به سایت‌های میراث تاریخی، که در آن پویایی شهری به‌طور گسترده مورد توجه قرار گیرد، مورد نیاز است (Kırmızı & Karaman, 2021: p. 1). با وجود ظهور رویکردهای پایدار، اثرات توسعه پایدار بر میراث شهری و تعاملات بین حفاظت از میراث و توسعه پایدار هنوز به‌طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است (Pereira Roders & Van Oers, 2011: 279). فقدان روش‌های ارزیابی سیستماتیک برای در نظر گرفتن مدیریت میراث فرهنگی و توسعه پایدار شهری نشان‌دهنده شکاف آکادمیک است که نیاز به واکاوی دارد (Bandarin & Van Oers, 2012:66); (Guzmán et al., 2017: p. 192). پژوهشگران متعددی به این نتیجه رسیده‌اند که تعارض بین اهداف حفاظت و توسعه را می‌توان با یکپارچه‌سازی اصول توسعه پایدار در طرح‌های حفاظت از میراث، برای ایجاد چارچوب کارآمدتر در مدیریت شهرهای تاریخی برطرف کرد (Maksić et al., 2018: 203). به عبارتی دیگر، میراث فرهنگی باید از نظر اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نیز مفید باشد (Guzmán et al., 2017: p. 193) و به‌عنوان یک مزیت برای توسعه جوامع محلی (Tweed & Sutherland, 2007:67-68) و ارائه هویتی منحصر به فرد در رقابت با توسعه اقتصادی به شمار آید (Scheffler, 2011:13-16). به همین منظور،

p. 2); (Rey-Perez & Siguencia Ávila, 2017:311) از آنجایی که میراث فرهنگی دیگر مصنوعات ایستا یا منزوی در نظر گرفته نمی‌شود، رویکردهای پویا و یکپارچه برای اتصال مدیریت میراث به بافت‌های برنامه‌ریزی شهری و توسعه گسترده‌تر مورد نیاز است (Ji et al., 2020: 12). در این بین، دستورالعمل‌های بین‌المللی مختلفی نیز بر ضرورت درک اهداف حفاظتی از طریق راهبردهای توسعه پایدار تأکید کرده‌اند (UNESCO, 2011, 2015); (Council, 2020:27). برای مثال با تصویب توصیه‌نامه یونسکو در سال ۲۰۱۱ درباره منظر شهری تاریخی (HUL)، حفاظت شهری فراتر از دیدگاه تاریخی حفظ میراث به سمت مدیریت میراث و تغییر آن، در چارچوب گسترده‌تر توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حرکت می‌کند (UNESCO, 2011). علاوه بر آن می‌توان به دستور کار جهانی در مورد توسعه پایدار اشاره کرد که برای اولین بار بر رابطه بین پایداری مناطق شهری و میراث فرهنگی تأکید می‌کند (Guzmán et al., 2017: p. 192). هدف ۱۱ این دستور کار، به ساختن شهرها و سکونت‌گاه‌های انسان، به صورت پایدار با تقویت تلاش‌هایی برای حفاظت و صیانت میراث طبیعی و فرهنگی، اشاره شده است (General Assembly, 2015: 5-8). باین حال پیچیدگی مسائل، حفاظت از میراث فرهنگی و سازگاری آن با اهداف توسعه را که شکل و عملکرد آن مدام در حال تکامل است، به چالش می‌کشد (Bandarin & Van Oers, 2012: 64); (Van Oers & Pereira Roders, 2012: 7); (Zhang et al., 2013:233) در هر دو بخش حفاظت و توسعه شهری، تنش بین خواسته‌های میراث شهری و طرح‌های توسعه به‌عنوان یکی از مباحث برجسته اختلاف در مدیریت شهرهای تاریخی ظاهر شده است



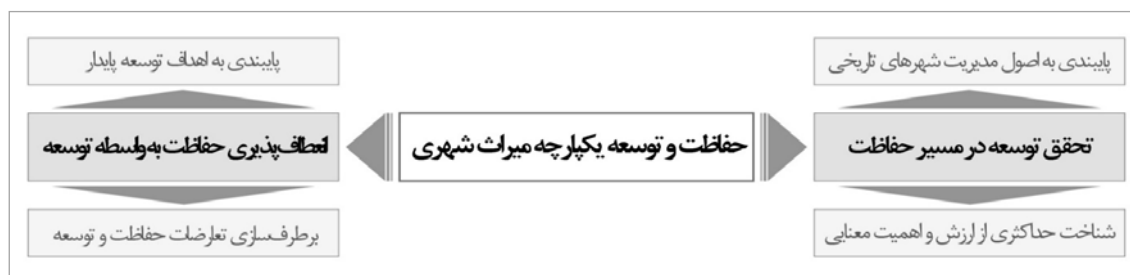
شکل ۱. دیاگرام ساختار پژوهشی مقاله و فرایند دستیابی به چارچوب مفهومی (نگارندگان، ۱۴۰۲)

دهد و به اصول مدیریت شهرهای تاریخی پایبند باشد (عشرتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۶)؛ (Aftabi & Fadaei Nezhad Bahramjerdi, 2023:17); (Guzmán et al., 2017:197); (Vučković & Maruna, 2017:44)، ۲- به اهداف توسعه پایدار در طرح‌های حفاظت از میراث، پایبند باشد (حفاظت به‌واسطه توسعه، تغییر یابد)، (عشرتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۶)؛ (Maksić et al., 2018:200)؛ ۳- شناخت حداکثری از ارزش و اهمیت معنایی میراث شهری را به دست آورد (Bandarin & Van Oers, 2012: 67); (Jokilehto, 2007:25) بر طرف ساختن تعارضات بین حفاظت و توسعه شهری باشد (Aftabi & Fadaei Nezhad Bahramjerdi, 2023:17); (Guzmán et al., 2017: 198).

برنامه‌ریزی مشارکتی؛ مشارکت در برنامه‌ریزی شهری

با افزایش آگاهی جامعه، تقاضاها برای تحقق مشارکت در بحث‌های اجتماعی، تصمیم‌گیری و امور اجتماعی افزایش می‌یابد. از طرفی جامعه مدرن، یک جامعه درون‌شهری بوده که به‌عنوان یک محرک برای به‌کارگیری مشارکت عمل می‌کند (Hui et al., 2021: p. 1) و از آنجایی که توسعه اجتماعی باعث ارتقای آگاهی مدنی می‌شود، رویکردهای برنامه‌ریزی که از بالا به پایین باشند، ممکن است دیگر در فرایند برنامه‌ریزی شهری کارآمد نباشند (X. Li et al., 2019: 11) زیرا این‌گونه شیوه برنامه‌ریزی سنتی دیگر برای شناخت جامعه مناسب نیست (Hui et al., 2021: 4) و اکنون نیاز به یک استراتژی مشارکتی، بیشتر بین مقامات و جوامع محلی احساس می‌شود (Erfani & Roe, 2020: 18). به همین منظور، برنامه‌ریزی مشارکتی به تدریج به‌عنوان یک سیستم ثابت تصمیم‌گیری شناخته شده است که اغلب به‌عنوان بخشی از توسعه جامعه در نظر گرفته می‌شود (X. Li et al., 2020: 2). همچنین نظریه‌های اخیر حکمرانی نیز در نظر دارند تا جوامع را در قلب فرایند تصمیم‌گیری قرار دهند تا جامعه‌پذیری، شهروندی و سرمایه اجتماعی را تشویق کنند

در راستای یکپارچه‌سازی حفاظت و توسعه، می‌بایستی یک رویکرد کل‌نگر به کار گرفت که حفاظت و توسعه را نه دو رشته مجزا و نه مقوله‌ای بین‌رشته‌ای، بلکه رشته‌ای جامع ببیند که توسعه در مسیر حفاظت اتفاق می‌افتد و یا به بیان دیگر، توسعه بخشی از فرایند خودپالای حفاظت باشد و حفاظت به‌واسطه توسعه، تغییر یابد و انعطاف‌پذیری خود را وامدار توسعه بداند (عشرتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۶). در این‌بین، اجرای سیاست‌های حفاظتی و برنامه‌های عملیاتی منجر به انواع مطالعات موردی با هدف یکپارچگی اصول حفاظتی و توسعه‌ای شده است. این مطالعات غالباً دو نوع عملکرد را مدنظر قرار می‌دهند: ۱- پروژه‌های فرهنگ‌مبنا با هدف توسعه امکانات فرهنگی جدید در مناطق درون‌شهری و ۲- طرح‌های برنامه‌ریزی راهبردی با اولویت حفاظت از میراث شهری. علاوه بر آن، مدیریت میراث فرهنگی در حال تبدیل شدن به رویکردی مبتنی بر منظر است که نیازمند درک بین‌رشته‌ای میراث است. چنین رویکردی توسعه را مدیریت «تغییر متفکرانه» می‌داند که باید نتیجه یکپارچگی کارآمد میراث در استراتژی‌های توسعه شهری باشد (Guzmán et al., 2017: p. 193). این یکپارچگی نه تنها دربرگیرنده شناخت ارزش‌های میراث و ویژگی‌های تعیین‌شده توسط آن است، بلکه مستلزم توجه بیشتر به بافت وسیع‌تر و فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی آن است (Bandarin & Jokilehto, 2007:25); (Van Oers, 2012: 67). به همین خاطر در طول دهه گذشته، اهمیت میراث فرهنگی در دستیابی به اهداف توسعه پایدار به‌طور مکرر مورد تأکید قرار گرفته است (UNESCO, 2015); (Guzmán et al., 2017:195). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرایند حفاظت و توسعه میراث شهری نیازمند یک چارچوب دقیق و منسجم خواهد بود (شکل ۲) که در نهایت، توسعه در مسیر حفاظت محقق شود و حفاظت به‌واسطه توسعه انعطاف‌پذیر گردد (General Assembly, 2015:8); (Guzmán et al., 2018:203); (Maksić et al., 2017:195); (عشرتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۶)؛ از این‌رو این چارچوب می‌بایست: ۱- اولویت‌های حفاظت شهری را در برنامه‌های توسعه قرار



شکل ۲. اصول چارچوب حفاظت و توسعه یکپارچه میراث شهری (نگارندگان براساس منابع، ۱۴۰۲)

«رهایی مفهوم عقل از ابزار محدود خرد گرایی» است که نظریه انتقادی "کنش ارتباطی هابرماس" را بسط می‌دهد (Y. Wang et al., 2020: p. 2).

اما از دید پژوهشگران حوزه مشارکت، مهم‌ترین مزیت برنامه‌ریزی مشارکتی را می‌توان برطرف‌سازی و حل و فصل تعارضات میان ذی‌نفعان دانست؛ تعارض به‌عنوان مفهومی درهم‌تنیده با اجماع، شناخته می‌شود که یا به‌عنوان یک چالش یا به‌عنوان یک ضرورت برای یک تصمیم‌گیری فراگیر در نظر گرفته می‌شود (Foroughi, De Andrade, et al., 2023: 1). هابرماس پیشنهاد می‌کند که تعارضات را می‌توان برای رسیدن به یک اجماع حل کرد (Habermass, 1987:420). موفه پتانسیل‌های تعارض را برای تصمیم‌گیری مشروع و فراگیر تصدیق می‌کند (Foroughi, De Andrade, et al., 2023: p. 1). فوستر تعارضات را فرصتی برای یادگیری می‌داند (Forester, 1999:71). ون اویک (۲۰۱۱) حتی از این موضوع فراتر می‌رود و اظهار می‌کند تعارض به اندازه اجماع در شیوه‌های مشارکتی، مهم و سودمند است زیرا تعارض به تولید ایده‌ها و راه‌حل‌های جدید کمک می‌کند. به این ترتیب تعادل بین اجماع و تعارض ضروری در نظر گرفته می‌شود (Van Ewijk, 2011:43). محققان برنامه‌ریزی مشارکتی اغلب دیدگاه‌شان این است که شکل‌های برنامه‌ریزی مشارکتی بر پایه مشورت عمومی می‌تواند موجب فرایند تصمیم‌سازی منصفانه‌تر با غلبه بر اختلاف‌های قدرت میان شهروندان و ذی‌نفعان شود (Hopkins, 2010: p. 55). برای به حداقل رساندن اختلافات، مدیریت سیستم‌های اجتماعی پایین به بالا به یک رویکرد حاکمیت چندسطحی نیاز دارد. در چنین حاکمیتی قدرت اصلی در یک دولت مرکزی متمرکز نیست، بلکه عملیات سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، در چندین سطح صورت می‌پذیرد (احمدی و آفتابی، ۱۴۰۱: ۷۲). به طوری که کنیلینگ و اوتنگرافن با اشاره به پیچیدگی و چندوجهی بودن برنامه‌ریزی، آن را دربرگیرنده فرایندهای تعاملی میان کنشگران درگیر، در چارچوب‌های شناختی فرهنگی و زمینه‌های اجتماعی می‌دانند. این موضوع عمیقاً ریشه در زمینه‌های فرهنگی جامعه دارد و به‌شکلی متفاوت درک و عملیاتی می‌شود (Knieling & Othengrafen, 2018: 17-18). به‌عبارت‌دیگر سطوح فرهنگی غیرآشکار و همچنین روال‌های ناخودآگاهی وجود دارد که به‌وضوح بیانگر تنوع رویه‌های اجتماعی تأثیرگذار بر برنامه‌ریزی فضایی است (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴). بنابراین، مشارکت عمومی می‌تواند به‌طور مؤثری تضادهای بین ذی‌نفعان مختلف را برطرف سازد و راه‌حلی عملی برای کاهش تنش‌های اجتماعی

(Esmailpoorarabi et al., 2020:9). مشارکت اجتماعی یک ابزار مؤثر برای چندین هدف در برنامه‌ریزی است که شکل دادن به سیستم روابط و قوانین، مدیریت تعارضات، شناسایی اولویت‌بندی نیازها، بهبود راه‌حل‌های پذیرفته‌شده و ایجاد احساس مالکیت بخشی از آن است. بر این اساس برنامه‌ریزی مشارکتی به‌عنوان الگویی برتر در مقایسه با رویکرد تخصص‌محور می‌تواند شهروندان را از نظر خودکارآمدی و اثرگذاری توانمند سازد (Hassan et al., 2011: pp. 204-205). انتقاد اصلی که به رویکرد بالا به پایین وارد است به این موضوع مربوط می‌شود که دولت‌های محلی نقش متمرکز و انحصاری در تصمیم‌گیری ایفا می‌کنند (Li et al., 2021: p. 1); (Zhao et al., 2020:4). این امر به‌ویژه در مورد رویکردهایی صادق است که دولت‌های محلی به‌دنبال حداکثر کارایی در فرایندهای شهرنشینی هستند که منجر به نادیده‌انگاشتن جوامع محروم می‌شود (J. Li et al., 2021: p. 1); (Morrison & Xian, 2016:213). درعین‌حال فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی، جامعه را قادر می‌سازد تا به‌طور معناداری بر جنبه‌هایی که تأثیر مستقیم بر رفاه آن‌ها دارد، تأثیر گذارد. این امر به شناسایی مشکلات و توسعه راهبردهای بیشتر برای پاسخ‌گویی به مسائلی که برای اعضای آن جامعه اهمیت دارد، کمک می‌کند (Kırmızı & Karaman, 2021: p. 2). برنامه‌ریزی مشارکتی همچنین می‌تواند خواسته‌ها و نیازهای جامعه را روشن کند (Gans, 1994:33). زیرا شهروندان «دانش غیر تخصصی» دارند که می‌توانند ادراک برنامه‌ریزان را از ارزش‌ها و منابع محلی که ممکن است برای آنان قابل تمایز نباشد، آسان کنند (Innes, 1998:57). فریدمن در خصوص فرهنگ برنامه‌ریزی اصطلاح «دانش تجربی» را به کار می‌برد تا نشان دهد این دانش مدون شده نیست و بر پایه سنت‌ها، ارزش‌ها و قواعدی ضمنی است که در وهله نخست از طریق گفتار روشن می‌شود (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۸). بنابراین، از طریق استفاده از برنامه‌ریزی مشارکتی، می‌توان از تحقق‌پذیری و کارایی فرایند تصمیم‌گیری اطمینان حاصل کرد (Arbab et al., 2020: 9); (Dell'Anna & Dell'Ovo, 2022:9). می‌تواند منجر به افزایش میزان موفقیت در تصمیم‌گیری شود و در برابر نهادهای دولتی و سایر ذی‌نفعان، نقش تسهیل‌کننده را ایفا کند (J. Li, Krishnamurthy, Pereira Roders, 2020:10). این چنین حالتی توسعه را به شیوه‌ای برابر تضمین می‌کند (Ryu et al., 2017:8). در نتیجه حس تعلق به مکان و مسئولیت شهروندی در جامعه افزایش خواهد یافت (Healey, 1997:50). به همین منظور یکی از محورهای تفکر مشورتی در مورد برنامه‌ریزی،

باشد (Li et al., 2021: p. 1); (Yung et al., 2017:136). با این حال، مشارکت جامعه هنوز به «انقلاب در عمل» تبدیل نشده است (Davies, 2001:79). بیشتر تصمیمات شهری توسط مقامات و کارشناسان سازمانی تنظیم می‌شوند تا مشارکت‌کنندگان واقعی، که نشان می‌دهد چارچوب‌های تصمیم‌گیری در چنین فرایندهایی هنوز به بازنگری نیاز دارند (Erfani & Roe, 2020:11); (Stacchini et al., 2022:4). حتی زمانی که استفاده از تاکتیک‌های مشارکتی به‌عنوان یک دستورالعمل برای پروژه‌های توسعه شهری باشد، همیشه مشخص نیست که چگونه می‌توان این استراتژی‌ها را در یک محیط معین، عملی کرد (Cohen & Wiek, 2017:19). این موضوع به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه با اشکالات و موانع به‌مراتب بیشتری مواجه خواهد بود زیرا ۱. فقدان شرح وظایف تعریف‌شده و ناتوانی جوامع در مشارکت کامل در ابتکارات مدیریت شهری منجر به تعارضات متعدد در رویه‌های تصمیم‌گیری می‌شود (Mirzakhani et al., 2021a: 7).

۲. مردم عادی ممکن است فاقد دانش خاص، از خودگذشتگی یا دیدگاه منطقی گسترده‌تری درباره کل جامعه باشند، به‌ویژه وقتی صحبت از نگرانی‌های فنی و سیاستی می‌شود (Mohammadi, 2010: 53); (Pourzakarya & Bahramjerdi, 2021: 2).

۳. اختلاف زیادی بین تصمیم‌گیران، جوامع و تسهیل‌کنندگان هست که از سیستم‌های توسعه‌نیافته نشئت گرفته است و در اجرای سیاست‌ها و طرح‌های مشارکتی وجود دارد (Kyung, 2018: 477).

۴. نظریه‌های برنامه‌ریزی مشارکتی سنتی معمولاً تأثیر بالقوه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را بر افراد نادیده گرفته‌اند (Jones, 2003: 591) و به عوامل درونی، مانند محیط، وضعیت اقتصادی، نژاد، خانواده و مواردی مشابه که به‌طور بالقوه بر میزان مشارکت فعال جامعه تأثیر می‌گذارند، کمتر توجه کرده‌اند (Baum, 1998: 412-413).

۵. دستیابی به مشارکت در نظام‌های سیاسی متمرکز اغلب متداول نیست و ممکن است با مخالفت صاحبان قدرت مواجه شود (Connelly, 2010: 335). یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل موفق نشدن مشارکت شهروندان از دیدگاه صاحبان قدرت، مقاومت آن‌ها در برابر توزیع مجدد قدرت است. به همین خاطر ادبیات مشارکت اجتماعی بر این موضوع تأکید می‌کند که تغییر قدرت یا توانمندسازی یکی از حیاتی‌ترین مزایای شیوه‌های مشارکتی است (Arnstein 1969: 215-220). همچنین سایر عوامل اجتماعی، سیاسی و روانی مرتبط با این جوامع، مشارکت معنادار آن‌ها را دور از دسترس قرار می‌دهد (X. Li et al., 2020: p. 4).

بنابراین در بسیاری از موارد، این ساختارهای تصمیم‌گیری

باعث می‌شوند که جوامع احساس طرد شدن کنند، آن هم به این دلیل که به مردم اجازه نمی‌دهند نقش مؤثری در فرایندهای تصمیم‌گیری ایفا کنند، یا مردم محلی برای اصلاح ساختارهای فعلی احساس کم‌توانی می‌کنند (Erfani & Roe, 2020: 13).

از این رو، برنامه‌ریزی مشارکتی برای کشورهای در حال توسعه، مستلزم توجه بیشتر به «پیشینه نهادی» و ساختار سیاسی اجتماعی آن جامعه است (Kotus & Sowada, 2017:83); (X. Li et al., 2020:7); (Mattila, 2016: 346). در عین حال محققان، تغییر مدل مشارکتی آرنشتاین را به مدلی جایگزین برای کشورهای در حال توسعه، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند (X. Li et al., 2020: 4); (Swapan, 2016: 70). به این معنا که یک روش برنامه‌ریزی مشارکتی را می‌توان با موفقیت در کشورهای در حال توسعه تنها با توجه به زمینه‌های سیاسی و اجتماعی آن به کار برد (Kotus & Sowada, 2017: 84); (X. Li et al., 2020: 2); (Swapan, 2016: 70); (Mattila, 2016: 346). بنابراین، سیاست‌ها و مقررات باید منعطف و مورد تأیید عموم باشند تا از مشارکت کامل آن‌ها اطمینان حاصل شود (H. Wang et al., 2021: 11). در نتیجه، رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی با مدنظر قرار دادن مدیریت انتظارات در روابط اجتماعی پیچیده (Healey, 1997: 51)، نشان‌دهنده فرایندی دموکراتیک برای ایجاد توافق در برنامه‌ریزی می‌شود (Y. Wang et al., 2020:2). باین حال، عبور از این موانع مستلزم به‌کارگیری راه‌حلی از جمله ۱. آگاهی‌رسانی و آموزش به جوامع محلی در جهت ارتقای دانش عمومی (Bolan, 1969: 305); ۲. حل‌وفصل اختلافات بین کارشناسان و شهروندان در رابطه با دوام و اثربخشی استراتژی‌های مشارکت اجتماعی (Arbab et al., 2020: 13); ۳. توجه به پیشینه نهادی و ساختار سیاسی جامعه در فرایند برنامه‌ریزی (Kotus & Sowada, 2017: 83); (X. Li et al., 2020: 7); (Mattila, 2016: 346). ۴. تغییرات اساسی در سیستم برنامه‌ریزی سیاست شهری با در نظر گرفتن رویکردهای توانمندسازی جامعه است (Pourzakarya & Fadaei, 2021: 5) (جدول ۲).

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت مشارکت در برنامه‌ریزی شهری منجر به ۱- تحقق توسعه اجتماعی و کاهش نابرابری‌های آن (Li et al., 2020: 17); (Creighton, 1996: 29); ۲- اطمینان از تحقق‌پذیری و کارایی فرایند برنامه‌ریزی (Arbab et al., 2020:13); (Dell'Anna & Dell'Ovo, 2022: 9) ۳- ایجاد گفت‌وگو میان ذی‌نفعان و حل‌وفصل

تاریخی و فرهنگی از طریق مشارکت ذی‌نفعان در فرایند برنامه‌ریزی مدیریت و حفاظت شهری شد (Siririsak, 2009: 408). در این زمینه، تأکید بر میراث از مقیاس ملی به محلی تغییر کرد و مشارکت ذی‌نفعان محلی به بخش مهمی از مکانیسم تصمیم‌گیری تبدیل شد (Kırmızı & Karaman, 2021: 2). ذی‌نفعان در مدیریت شهر و نیز ادغام تصمیم‌گیری‌های مدیریتی برای مناطق تاریخی و میراث فرهنگی، ضروری گشت (Bandarin & Van Oers, 2012: 64). همچنین جامعه محلی نقش مهمی در ارزش‌گذاری منابع شهری به دست آورد هاند که مشارکت دادن آن‌ها در فرایند تصمیم‌گیری موجب بازشناسی این ارزش‌ها می‌شود (Kırmızı & Karaman, 2021: 2). در این بین، اهمیت بستر اجتماعی در مدیریت میراث شهری نشان می‌دهد که چارچوب‌های تصمیم‌گیری مشارکتی بیشتری برای مدیریت یکپارچه میراث شهری به‌منظور حل و فصل مناقشات مورد نیاز است (Liu et al., 2022: 2). زیرا با یک روش مشارکتی مناسب، مردم می‌توانند نقش فعالی در فرایند برنامه‌ریزی و یافتن راه‌حل‌های عملی، محلی و بلندمدت برای برنامه‌های حفاظت و توسعه شهری داشته باشند (Ericson, 2006: 452). بسیاری از سازمان‌های حفاظت از میراث جهانی، ضمن اشاره به طیف وسیعی از ذی‌نفعان در فرایند برنامه‌ریزی شهرهای تاریخی، بر اهمیت جایگاه جوامع محلی، سنت‌ها و شیوه زندگی آنان نیز تأکید داشته‌اند (Landorf, 2009: 495-497). این موضوع ثابت شده است که ذی‌نفعان محلی می‌توانند از موفقیت برنامه‌ریزی میراث حمایت کرده و به‌طور فعال به آنجا کمک کنند (J. Li,

Foroughi et al., 2023: 3); (Habermass, تعارضات 1987:420); (Knieling & Othengrafen, 2018:18); (Vučković & Maruna, 2017:44); (Wang et al., 2021:2); ۴- ساختاردهی به سیستم روابط و قوانین به‌منظور متعادل‌سازی سیاست‌های بالا به پایین و پایین به بالا در چارچوب تصمیم‌گیری (Hasan et al., 2022: 204); (Wang et al., 2021:3); ۵- افزایش حس تعلق به مکان و مسئولیت شهروندی در جامعه (Li, 2021:9) و ۶- دخالت گروه وسیع‌تری از ذی‌نفعان و فراتر از کارشناسان می‌شود (Foroughi et al., 2023: 1).

حفاظت مشارکتی؛ مشارکت در حفاظت میراث شهری

مفهوم مدیریت و حفاظت مشارکت-محور در شهرهای تاریخی، فرایندی پویا و جامع است که با تأکید بر اصالت و ارزش‌های تاریخی و فرهنگی زمینه، در سه بعد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی اجرا می‌شود و در پی راهکاری برای ارتقای تعاملات اجتماعی و رونق بخشی حضور مردم، با هدف بازگرداندن فعالیت و سرزندگی به بافت شهری تاریخی، بهسازی و نوسازی کالبدی و بهسازی اقتصادی می‌باشد (حناچی و پورسراجیان، ۱۳۹۳: ۲۴۰). مشارکت اجتماعی هم در تئوری و هم در عمل برنامه‌ریزی شهری به‌خصوص برنامه‌ریزی میراث شهری روبه‌رشد بوده است. دلیل این امر تسهیل دخالت گروه وسیع‌تری از ذی‌نفعان است که دخالت آن‌ها فراتر از کارشناسان است (Foroughi, De Andrade, et al., 2023: p. 1). در رویکردهای حفاظتی نیز می‌توان گفت از دهه ۱۹۶۰ توجه نسبتاً بیشتری به حفاظت از میراث

جدول ۲. موانع مشارکت و راه‌حل‌های آن در برنامه‌ریزی مشارکتی

موانع مشارکت	راه‌حل‌های تحقق مشارکت
فقدان شرح وظایف تعریف‌شده در چارچوب‌های تصمیم‌گیری (Mirzakhani et al., 2021a)	تغییرات اساسی در سیستم برنامه‌ریزی سیاست شهری همراه با در نظر گرفتن رویکردهای توانمندسازی جامعه است (Pourzakarya & Fadaei Nezhad Bahramjerdi, 2021)
مقاومت تصمیم‌گیران در برابر توزیع قدرت (Arnstein, 1969; Connelly, 2010, p. 335)	آگاهی‌رسانی و آموزش به جوامع محلی در جهت ارتقای دانش عمومی (Bolan, 1969)
فقدان دانش کافی و دیدگاه منطقی در برخی از جوامع (Mohammadi, 2010; Pourzakarya & Bahramjerdi, 2021)	حل و فصل اختلافات بین کارشناسان و شهروندان در رابطه با دوام و اثربخشی استراتژی‌های مشارکت اجتماعی (Arbab et al., 2020)
وجود تعارض و اختلاف میان تصمیم‌گیران، متخصصان و مردم محلی (Kyung, 2018)	توجه به پیشینه نهادی و ساختار سیاسی جامعه در فرایند برنامه‌ریزی (Kotus & Sowada, 2017; X. Li et al., 2020; Mattila, 2016)
بی‌توجهی برنامه‌های مشارکتی به زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصاد (Baum, 1998; Jones, 2003)	

(نگارندگان براساس منابع، ۱۴۰۲)

Krishnamurthy, Pereira Roders, & Van Wesemael, (2020:12); (Mirzakhani et al., 2021:4) به‌طور خاص، برای برنامه‌ریزی میراث شهری، مشارکت می‌تواند ایجاد اجماع در تعریف اهمیت میراث، یعنی ویژگی‌ها (منابعی که باید به‌عنوان میراث فهرست شوند) و ارزش‌ها (دلایل مهم بودن ویژگی‌ها) را ممکن سازد؛ لذا هدف برنامه‌ریزی مشارکتی میراث، حفاظت از ویژگی‌ها و ارزش‌هایی است که برای طیف‌های مختلف ذی‌نفعان مهم هستند، نه فقط متخصصان (Foroughi, De Andrade, et al., 2023: 9). بنابراین، مشارکت اجتماعی می‌تواند بازتعریف مشترکی از مفهوم میراث و ارزش‌های آن را که عموماً در دیدگاه‌های جامعه و متخصصان متفاوت است، ارائه نماید. علاوه‌برآن مفهوم میراث نیز نسبت به گذشته تکامل یافته و مشارکت اجتماعی را به بخش اساسی فرایند تصمیم‌گیری خود، تبدیل کرده است (Yung et al., 2014:136).

پژوهش‌های پیشین تأیید می‌کنند که برنامه‌ریزی شهری در مقایسه با مطالعات در زمینه برنامه‌ریزی میراث شهری، روش‌ها و ابزارهای متنوع‌تری را برای مشارکت عمومی به کار گرفته است و می‌تواند الهام‌بخش برنامه‌ریزی میراث شهری باشد (Foroughi, De Andrade, et al., 2023: p. 1). در این خصوص، برنامه‌ریزی میراث می‌تواند با تفسیر شیوه‌های برنامه‌ریزی شهری از دید برنامه‌ریزی میراث، بینش‌هایی را از برنامه‌ریزی شهری به دست آورد. این رویکرد از همان اصل پیشنهادی پیروی می‌کند که مطالعات میراث می‌تواند از ادغام مطالعات برنامه‌ریزی شهری و میراث بهره‌مند شود (Hosagrahar et al., 2016: 42). از این‌رو در مدیریت میراث شهری نیز متعادل‌سازی روش‌ها و سیاست‌های بالا به پایین و پایین به بالا به‌منظور کاهش نابرابری‌های اجتماعی ضرورت می‌یابد. با این حال، تکنیک‌های برنامه‌ریزی پایین به بالا و برنامه‌ریزی مشارکتی مستلزم مجموعه وسیعی از تلاش‌هایی است که در آن طرف‌های ذی‌نفع دیدگاه‌های مختلف خود را بیان می‌کنند و به‌طور جمعی در مورد یک مسیر تصمیم‌گیری (H. Wang et al., 2021:10). با وجود ادبیات روبه‌رشد در مورد مشارکت عمومی و ایجاد اجماع در برنامه‌ریزی میراث شهری، هنوز درک جامعی از عوامل تأثیرگذار ایجاد اجماع در فرایندهای برنامه‌ریزی مشارکتی برای میراث وجود ندارد (Foroughi, De Andrade, et al., 2023: p. 2). همچنین این موضوع نیازمند یک تیم بین‌رشته‌ای از متخصصان در فرایند تصمیم‌گیری مدیریت میراث شهری و به‌کارگیری مشاوره عمومی به‌منظور افزایش اعتماد گروه‌های اجتماعی و تحریک مشارکت آن‌ها می‌باشد

(Vučković & Maruna, 2017: 46). با توجه به طیف وسیع‌تری از ذی‌نفعان چندرشته‌ای که فراتر از کارشناسان در یک فرایند مشارکتی درگیر هستند، ایجاد اجماع کلیدی برای تعریف میراث و اهمیت فرهنگی آن (ارزش‌ها و ویژگی‌ها) است (Foroughi, De Andrade, et al., 2023: 2) که از طریق این اجماع، اختلافات و تعارضات بین طرفین تسهیل می‌یابد (Liu et al., 2022: 3). علاوه بر اهمیت برنامه‌ریزی مشارکتی در حفاظت میراث شهری، اجماع فزاینده‌ای وجود دارد که جوامع محلی می‌توانند نقشی کلیدی در یکپارچه‌سازی حفاظت شهری و توسعه اجتماعی-اقتصادی داشته باشند (Guzmán et al., 2017; Li, 2021: 9). روش‌های تصمیم‌گیری از پایین به بالا در برنامه‌ریزی حفاظت و توسعه شهری بیش‌ازپیش در سراسر جهان اجرا می‌شوند (Pissourios, 2014: 83). ساکنان و علائق آن‌ها می‌توانند در کل فرایند مدیریت، از شناسایی گرفته تا برنامه‌ریزی و اجرا، گنجانده شوند (Guzmán et al., 2017: 195). از این‌رو، مشارکت معنادار در مدیریت و حفاظت از میراث شهری، باید به راهکارهایی منجر شود که جامعه محلی را در فرایند خود قرار دهد تا به خواسته‌ها و نیازهای معاصر نیز پاسخ داده شود (Kırmızı & Karaman, 2021: p. 3). چراکه با یک روش مشارکتی مناسب، مردم می‌توانند نقش فعالی در فرایند برنامه‌ریزی داشته باشند و چندین ذی‌نفع ممکن است در یافتن راه‌حل‌های عملی، محلی و بلندمدت برای برنامه‌های حفاظت و توسعه جامعه مشارکت داشته باشند (Ericson, 2006: 454).

اثرات رویکردهای مشارکت-محور در یکپارچه‌سازی مدیریت میراث شهری، برنامه‌ریزی شهری و اهداف توسعه اجتماعی-اقتصادی، در بسیاری از اسناد و تجارب بین‌المللی به اثبات رسیده است. بدیهی است در اجرای این فرایند، جوامع محلی نیز به احساس رضایت به‌سبب مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری و منافع مشترک در فرایندهای شهر دست می‌یابند (Li et al., 2020: p. 1). رویکردهای بین‌المللی کنونی فرایند مشارکت اجتماعی را برای افزایش ادغام مدیریت میراث فرهنگی با توسعه شهری پایدار محلی، ضروری تلقی می‌کنند (Li, 2021: 16); (Husnénin, 2017: 40). برای مثال، توصیه‌نامه یونسکو در سال ۲۰۱۱ درباره منظر شهری تاریخی (HUL) بیان می‌کند که مشارکت جامعه ابزاری محوری برای ادغام شیوه‌های میراث در توسعه شهری پایدار است (UNESCO, 2011). رویکرد منظر شهری تاریخی یکپارچه‌سازی حفاظت و توسعه شهری را ترویج

با نیازها، مسائل و مشکلات جامعه (Ericson, 2006: 452); (Kırmızı & Karaman, 2021: 2); ۶- ادغام شیوه‌های حفاظت میراثی در توسعه پایدار شهری (Li et al., 2021: 1); (UNESCO, 2011); ۷- برطرف‌سازی تعارضات میان حفاظت از میراث و توسعه شهری (Poulios, 2014: 22); ۸- توانمندسازی مردم محلی از توسعه میراث شهری (Borona & Ndiema, 2014: 189) می‌شود.

یافته‌ها؛ چارچوب مفهومی حفاظت و توسعه جامعه‌مبنا

به منظور جمع‌بندی مفاهیم پیشین و تبیین مؤلفه‌های اثرگذار بر چارچوب مفهومی حفاظت و توسعه جامعه‌مبنا، مشارکت جامعه در ادبیات موضوعی پژوهش که شامل مشارکت در برنامه‌ریزی شهری (برنامه‌ریزی مشارکتی) و مشارکت در حفاظت میراث شهری (حفاظت مشارکتی) است، مورد واکاوی قرار گرفتند. در این بین، از یک سو مؤلفه‌های "تضمین توسعه اجتماعی"، "تحقق‌پذیری فرایند برنامه‌ریزی"، "برطرف‌سازی تعارضات"، "متعادل‌سازی سیاست‌ها و قوانین"، "تعلق به مکان و مسئولیت‌پذیری" و "ایجاد گفت‌وگو میان ذی‌نفعان" با اصول مشارکت در برنامه‌ریزی شهری مرتبط بوده‌اند؛ از سوی دیگر مؤلفه‌های "بهره‌گیری از دانش غیرتخصصی"، "شناخت ارزش‌های میراث"، "ارتقای سرزندگی و تعاملات اجتماعی"، "توانمندسازی میراث محلی"، "شناسایی نیازها، مسائل و مشکلات جامعه"، "ادغام حفاظت میراثی در توسعه پایدار"، "حل‌وفصل تعارضات حفاظت و توسعه شهری" و "توانمندسازی مردم محلی" مرتبط با اصول مشارکت در حفاظت میراث شهری شناسایی شدند (جدول ۳).

پس از شناسایی اصول و مؤلفه‌های مؤثر مشارکت در ادبیات موضوعی پژوهش، این مؤلفه‌ها با اصول چارچوب حفاظت و توسعه یکپارچه (شکل ۲) مورد هم‌پیوندی قرار گرفتند. هم‌پیوندی این مؤلفه‌ها با اصول حفاظت و توسعه یکپارچه نمایانگر اهمیت مؤلفه‌های مشارکت در شکل‌دهی به چارچوب حفاظت و توسعه جامعه‌مبنا می‌باشد. بر این اساس، در بخش اول مؤلفه‌های "شناخت ارزش‌های میراثی"، "توانمندسازی میراث محلی" و "بهره‌گیری از دانش غیرتخصصی" با اصل "شناخت ارزش و اهمیت معنایی میراث" مرتبط بود؛ در بخش دوم مؤلفه‌های "توانمندسازی میراث محلی"، "بهره‌گیری از دانش غیرتخصصی"، "تحقق‌پذیری فرایند برنامه‌ریزی"، "تعلق به مکان و مسئولیت‌پذیری" و "ادغام حفاظت میراثی در توسعه پایدار" با اصل "پایبندی به اصول مدیریت شهرهای تاریخی" مرتبط بود؛ در بخش سوم مؤلفه‌های "ارتقای سرزندگی و تعاملات اجتماعی"، "تحقق‌پذیری فرایند برنامه‌ریزی"، "تعلق به مکان و مسئولیت‌پذیری"، "تضمین

می‌کند، در عین حال که مشارکت جامعه را به عنوان یک ابزار ضروری برای دستیابی به این هدف در نظر می‌گیرد (J. Li et al., 2021: p. 1). در این رویکرد، فرایند اولویت‌بندی اقدامات حفاظت و توسعه، محوری است که می‌تواند بر اساس علایق ساکنان و احساس رضایت آن‌ها باشد (Ji et al., 2020: 12); (Li et al., 2021: p. 2). ۲۰۱۵ سند راهنمایی را در مورد مفهوم میراث زنده و رویکرد های مردم‌محور در مدیریت میراث فرهنگی منتشر کرد. برطبق آن رویکردهای مردم‌محور، فرایندی مبتنی بر جامعه را برای مدیریت فراگیر دارایی‌های میراث فرهنگی مرتبط با وابستگی‌های معنوی، سنت‌های بومی، شبکه‌های اجتماعی و زندگی روزمره جوامع محلی توسعه می‌دهند (Wijesuriya & Thompson, 2017: 37). در این محیط، میراث فرهنگی به عنوان یک منبع شهری پویا مدیریت می‌شود که به جوامع حال و همچنین نسل‌های آینده کمک می‌کند (Dormael, 2016: 22); (Li, 2021: p. 28).

شهروندان، دارایی‌های میراث فرهنگی، و فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی آن‌ها محیط‌های زندگی را تشکیل می‌دهند که هم میراث فی‌نفسه و هم محیط‌های شهری اطراف آن را در بر می‌گیرد (J. Li, 2021: p. 40). از این رو، مشارکت بیشتر آنان ناگزیر با طیف وسیعی از دلایل منطقی پشت تصمیمات توسعه و حفاظت همراه است (Y. Wang et al., 2020: p. 3). از طریق مشارکت فراگیر جامعه در فرایند تصمیم‌گیری، تعارضات بین ذی‌نفعان رقیب برطرف خواهد شد که به تبع آن تنش اصلی میان حفاظت از میراث فرهنگی و توسعه اجتماعی - اقتصادی شهری را می‌توان به طور مؤثر کاهش داد (Poulios, 2014: 22); (Li, 2021: 40). علاوه بر آن مردم محلی نیز می‌توانند از شرکت در فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر حفاظت از میراث، منفعت به دست آورند (Borona & Ndiema, 2014: 189).

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که مشارکت در حفاظت میراث شهری منجر به: ۱- تسهیل درک برنامه‌ریزان از ارزش منابع شهری بر مبنای دانش محلی و غیرتخصصی (Innes, 1998: 2); (Kırmızı & Karaman, 2021: 57); ۲- ایجاد اجماع در بازتعریف مشترک از مفهوم میراث، ویژگی‌ها و ارزش‌های آن (Foroughi et al., 2023: 3); (Yung et al., 2017: 136)؛ ۳- بازگرداندن فعالیت و سرزندگی به بافت شهر تاریخی به واسطه ارتقای تعاملات اجتماعی (حناچی و پورسراجیان، ۱۳۹۳: ۲۴۰)؛ ۴- تأکید بر میراث از مقیاس ملی به محلی به واسطه مشارکت ذی‌نفعان محلی (Kırmızı & Karaman, 2021: 2)؛ ۵- یکپارچه‌سازی حفاظت و توسعه شهری متناسب

حوزه برنامه‌ریزی مشارکتی و حفاظت مشارکتی، ذیل چهار اصل حفاظت و توسعه یکپارچه قرار داده شدند که در مجموع چارچوب مفهومی حفاظت و توسعه جامعه‌مبنا را تشکیل می‌دهند. برطبق آن، اصل "پایبندی به اصول و مدیریت شهرهای تاریخی" دارای سه معیار "اطمینان از تحقق‌پذیری و کارایی فرایند برنامه‌ریزی بر مبنای نظارت گروه‌های اجتماعی"، "ادغام شیوه‌های حفاظت میراثی در توسعه پایدار شهری" و "افزایش حس تعلق به مکان و مسئولیت‌پذیری شهروندی در مدیریت شهرهای تاریخی" است؛ اصل "پایبندی به اهداف توسعه" دارای سه معیار "تحقق توسعه اجتماعی و کاهش نابرابری‌های آن در جامعه"، "ارتقای تعاملات اجتماعی و بازگرداندن

توسعه اجتماعی"، "ایجاد گفت‌وگو میان ذی‌نفعان"، "توانمندسازی مردم محلی" و "شناسایی نیازها، مشکلات و مسائل جامعه" با اصل "پایبندی به اهداف توسعه پایدار" مرتبط بود؛ و در بخش چهارم مؤلفه‌های "ایجاد گفت‌وگو میان ذی‌نفعان"، "متعادل‌سازی سیاست‌ها و قوانین"، "برطرف‌سازی تعارضات"، "ادغام حفاظت میراثی در توسعه پایدار"، "شناسایی نیازها، مسائل و مشکلات جامعه" و "حل‌وفصل تعارضات حفاظت و توسعه شهری" با اصل "برطرف‌سازی تعارضات حفاظت و توسعه" ارتباط داشت (شکل ۳).

در نتیجه، با مدنظر قرار دادن مؤلفه‌های اصلی و ترکیب مؤلفه‌های هم‌معنا، تمامی مؤلفه‌های مشارکت جامعه در دو

جدول ۳. اصول و مؤلفه‌های مشارکت جامعه در ادبیات موضوعی برنامه‌ریزی مشارکتی و حفاظت مشارکتی

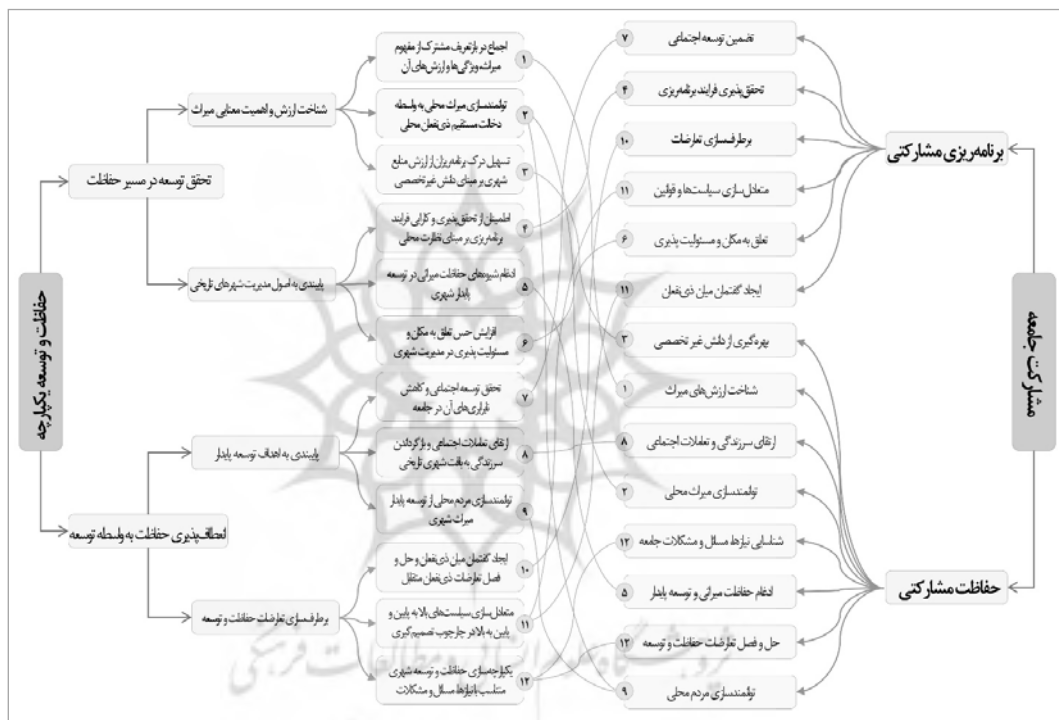
مؤلفه‌های مورد تأکید	اصول مشارکت در ادبیات موضوعی پژوهش	
تضمین توسعه اجتماعی	تحقق توسعه اجتماعی و کاهش نابرابری‌های آن (Creighton, 1996; Li et al., 2020)	برنامه‌ریزی مشارکتی
تحقق‌پذیری فرایند برنامه‌ریزی	اطمینان از تحقق‌پذیری و کارایی فرایند برنامه‌ریزی (Arbab et al., 2020; Dell'Anna & Dell'Ovo, 2022)	
برطرف‌سازی تعارضات	ایجاد گفت‌وگو میان ذی‌نفعان و حل‌وفصل تعارضات (Foroughi et al., 2023; Habermass, 1987; Knieling & Othengrafen, 2018; Vučković & Maruna, 2017; Wang et al., 2021)؛	
متعادل‌سازی سیاست‌ها و قوانین	متعادل‌سازی سیاست‌های بالا به پایین و پایین به بالا در چارچوب تصمیم‌گیری (Hasan et al., 2022; Wang et al., 2021)	
تعلق به مکان و مسئولیت‌پذیری	افزایش حس تعلق به مکان و مسئولیت شهروندی در جامعه (Li, 2021; Matarrita-Cascante et al., 2019)	
ایجاد گفت‌وگو میان ذی‌نفعان	دخالت گروه وسیع‌تری از ذی‌نفعان فراتر از کارشناسان در تصمیم‌گیری (Foroughi et al., 2023, p. 1)	
بهره‌گیری از دانش غیرتخصصی	تسهیل درک برنامه‌ریزان از ارزش منابع شهری بر مبنای دانش محلی و غیرتخصصی (Innes, 1998; Kırmızı & Karaman, 2021, p. 2)	حفاظت مشارکتی
شناخت ارزش‌های میراث	ایجاد اجماع در بازتعریف مشترک از مفهوم میراث، ویژگی‌ها و ارزش‌های آن (Foroughi et al., 2023; Yung et al., 2017)	
ارتقای سرزندگی و تعاملات اجتماعی	بازگرداندن فعالیت و سرزندگی به بافت شهر تاریخی به‌واسطه ارتقای تعاملات اجتماعی (حناچی و پورسراجیان، ۱۳۹۳: ۲۴۰)	
توانمندسازی میراث محلی	تأکید بر میراث از مقیاس ملی به محلی به‌واسطه مشارکت ذی‌نفعان محلی (Kırmızı & Karaman, 2021, p. 2)	
شناسایی نیازها، مسائل و مشکلات جامعه	یکپارچه‌سازی حفاظت و توسعه شهری متناسب با نیازها، مسائل و مشکلات جامعه (Ericson, 2006; Kırmızı & Karaman, 2021, p. 2)	
ادغام شیوه‌های حفاظت میراثی در توسعه پایدار	ادغام شیوه‌های حفاظت میراثی در توسعه پایدار شهری (Li et al., 2021, p. 1; UNESCO, 2011)	
حل‌وفصل تعارضات حفاظت و توسعه شهری	برطرف‌سازی تعارضات میان حفاظت از میراث و توسعه شهری (Li, 2021, p. 40; Poullos, 2014)	
توانمندسازی مردم محلی	توانمندسازی مردم محلی از توسعه میراث شهری (Borona & Ndiema, 2014)	

(نگارندگان براساس منابع، ۱۴۰۲)

"یکپارچه‌سازی حفاظت و توسعه شهری متناسب با نیازها، مسائل و مشکلات جامعه" بود (شکل ۴).

به بیان دیگر می‌توان اشاره کرد که این چارچوب به نوعی توسعه چارچوب حفاظت و توسعه یکپارچه تلقی می‌شود که معیارهای مشارکت جامعه در آن لحاظ شده، و برنامه‌ریزی مشارکتی ابزاری جهت یکپارچه‌سازی حفاظت و توسعه میراث شهری در نظر گرفته شده است. از طرفی نتایج نظری این پژوهش حاکی از آن است که رویکرد حفاظت و توسعه جامعه‌مبنا، تا حدودی توانایی پاسخ‌دهی به چالش‌ها و تعارضات اجتناب‌ناپذیر حفاظت و توسعه را دارند.

سرزندگی به بافت شهری تاریخی و "توانمندسازی مردم محلی از توسعه پایدار میراث شهری" بود؛ اصل "شناخت حداکثری از ارزش و اهمیت معنایی" دارای سه معیار "اجماع در بازتعریف مشترک از مفهوم میراث، ویژگی‌ها و ارزش‌های آن"، "توانمند سازی میراث محلی به واسطه دخالت مستقیم ذی‌نفعان محلی" و "تسهیل درک برنامه‌ریزان از ارزش منابع شهری بر مبنای دانش محلی و غیرتخصصی" بود و اصل "برطرف‌سازی تعارضات حفاظت و توسعه" دارای سه معیار "ایجاد گفت‌وگو میان ذی‌نفعان و حل و فصل ذی‌نفعان متقابل"، "متعادل‌سازی سیاست‌های بالا به پایین و پایین به بالا در چارچوب تصمیم‌گیری" و



شکل ۳. هم‌پیوندی اصول و مؤلفه‌های مشارکت جامعه با اصول حفاظت و توسعه یکپارچه (نگارندگان براساس منابع، ۱۴۰۲)



شکل ۴. چارچوب مفهومی حفاظت و توسعه جامعه‌مبنا در مدیریت میراث شهری (نگارندگان، ۱۴۰۲)

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و توسعه جامعه‌مبنا، نخست به شناسایی اصول حفاظت و توسعه یکپارچه پرداخته، سپس به‌منظور تبیین معیارها و مؤلفه‌های مورد تأکید مشارکت در حفاظت و توسعه یکپارچه، ادبیات موضوعی را در دو حوزه برنامه‌ریزی مشارکتی و حفاظت مشارکتی واکاوی کرده است. بر مبنای تحلیل‌های انجام‌شده و جمع‌بندی مطالعات صورت‌گرفته، چارچوب مفهومی حفاظت و توسعه جامعه‌مبنا در مدیریت میراث شهری به‌عنوان دستاورد پژوهش ارائه شده است. در این چارچوب، حفاظت و توسعه یکپارچه میراث شهری نیازمند تحقق توسعه در مسیر حفاظت و انعطاف‌پذیری حفاظت به‌واسطه توسعه است. به‌منظور تحقق‌یابی توسعه در مسیر حفاظت، اصل پایداری از اصول مدیریت شهرهای تاریخی مورد توجه قرار می‌گیرد که مشارکت جوامع در آن منجر به اطمینان از تحقق‌پذیری و کارایی فرایند برنامه‌ریزی بر مبنای نظارت گروه‌های اجتماعی، ادغام شیوه‌های حفاظت میراثی در توسعه پایدار شهری و افزایش حس تعلق به مکان و مسئولیت‌پذیری شهروندی در مدیریت شهرهای تاریخی می‌شود. علاوه‌بر آن، اصل شناخت حداکثری از ارزش و اهمیت معنایی نیز مدنظر است که مشارکت جوامع در آن منجر به اجماع در بازتعریف مشترک از مفهوم میراث، ویژگی‌ها و ارزش‌های آن، توانمندسازی میراث محلی به‌واسطه دخالت مستقیم ذی‌نفعان محلی و تسهیل درک برنامه‌ریزان از ارزش منابع شهری بر مبنای دانش محلی و غیرتخصصی می‌گردد. از سوی دیگر در رویکرد حفاظت و توسعه یکپارچه، انعطاف‌پذیری حفاظت به‌واسطه توسعه، معنا پیدا می‌کند که خود نیازمند توجه به اصول پایبندی به اهداف توسعه پایدار و برطرف‌سازی تعارضات حفاظت و توسعه می‌شود. در اصل پایبندی به اهداف توسعه پایدار، مشارکت جوامع منجر به تحقق توسعه اجتماعی و کاهش نابرابری‌های آن در جامعه، ارتقای تعاملات اجتماعی و بازگرداندن سرزندگی به بافت شهری تاریخی و توانمندسازی مردم محلی از توسعه پایدار میراث شهری می‌گردد. در نهایت، مشارکت جوامع در اصل برطرف‌سازی تعارضات حفاظت و توسعه منجر به ایجاد گفت‌وگو میان ذی‌نفعان و حل‌وفصل ذی‌نفعان متقابل، متعادل‌سازی سیاست‌های بالا به پایین و پایین به بالا در چارچوب تصمیم‌گیری و یکپارچه‌سازی حفاظت و توسعه شهری متناسب با نیازها، مسائل و مشکلات جامعه بوده است. در مجموع شایان ذکر است که هرچند رویکرد حفاظت و توسعه جامعه‌مبنا را می‌توان به‌عنوان جامع‌ترین رویکرد در مدیریت میراث شهری در نظر گرفت، با این حال همچنان زوایای پنهانی در این نگرش وجود دارد که نیازمند اعتبارسنجی آن‌ها در نمونه‌های متعدد مطالعاتی است. به همین منظور، پیشنهاد می‌شود تا محققان در پژوهش‌های بعدی به تدقیق سطوح مشارکت اجتماعی در فرایند حفاظت و توسعه جامعه‌مبنا با توجه به میزان مشارکت‌پذیری یک جامعه و همچنین میزان درک مشارکت‌کنندگان از ارزش و اهمیت معنایی میراث بپردازند.

فهرست منابع

- احمدی، احسان و آفتابی، پگاه (۱۴۰۱). بررسی جایگاه مشارکت اجتماعی در فرایند سیاست‌گذاری حفاظتی و مدیریتی شهرهای میراث جهانی. *باغ نظر*، دوره ۱۹، ش (۱۵): ۶۹-۸۰. [https://doi.org/10.22034/bagh.2022.306349.5010/](https://doi.org/10.22034/bagh.2022.306349.5010)
- حناچی، پیروز و پورسراجیان، محمود (۱۳۹۳). *احیای بافت شهری تاریخی با رویکرد مشارکت*. تهران: دانشگاه تهران. <https://www.gisoom.com/book/11133571/>
- دانشپور، سیدعبدالهادی؛ بهزادفر، مصطفی؛ برک‌پور، ناصر و شرفی، مرجان (۱۳۹۵). محیط برنامه‌ریزی مشارکتی؛ ارائه مدل مفهومی برای تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی. *نامه معماری و شهرسازی*، ۱۸ (۹): ۲۳-۴۱.
- عشرتی، پرستو؛ فدایی‌نژاد، سمیه و عشرتی، درنا (۱۴۰۰). *منظر شهری تاریخی: رویکرد کل‌نگر در حفاظت و توسعه یکپارچه شهری*. تهران: سازمان جهاد دانشگاهی تهران. <https://db.ketab.ir/bookview.aspx?bookid=2604544>



- Aftabi, P., & Fadaei Nezhad Bahramjerdi, S. (2023). Developing a decision-making framework within the management of historical cities: Towards integrated conservation and development of the Roudaki neighbourhood. *Land Use Policy*, 129, 106653. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2023.106653>
- Arbab, P., Taghizade, K., & Fadaei Nezhad Bahramjerdi, S. (2020). Toward Participation-Based Urban Planning and Development: Evaluating Participatory Revitalization in Middle Oudlajan Neighborhood of Tehran. *ASCE Urban Planning and Development Division Journal*, 146. [https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)UP.1943-5444.0000611](https://doi.org/10.1061/(ASCE)UP.1943-5444.0000611)
- Arnstein, S. R. (1969). A Ladder Of Citizen Participation. *Journal of the American Institute of Planners*, 35(4), 216–224. <https://doi.org/10.1080/01944366908977225>
- Bayala, E., Asubonteng, K., Ros-Tonen, M., Houria, D., Siangulube, F., Reed, J., & Sunderland, T. (2023). Using Scenario Building and Participatory Mapping to Negotiate Conservation-Development Trade-Offs in Northern Ghana. *Land*, 12. <https://doi.org/10.3390/land12030580>
- Bandarin, F., & Van Oers, R. (2012). *The historic urban landscape: Managing heritage in an urban century*. John Wiley & Sons. https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=g3ceRmPa4Q4C&oi=fnd&pg=PR7&dq=Bandarin,+F.,+van+Oers,+R.,+2012.+The+Historic+Urban+Landscape,+The+Historic+Urban+Landscape.+https://doi.org/10.1002/9781119968115.&ots=SGEXfjAD6A&sig=hR_mAheKrFfJas8GdGtb88H557o
- Baum, H. S. (1998). Ethical Behavior Is Extraordinary Behavior; It's the Same as All Other Behavior: A Case Study in Community Planning. *Journal of the American Planning Association*, 64(4), 411–423. <https://doi.org/10.1080/01944369808976001>
- Bolan, R. S. (1969). Community Decision Behavior: The Culture of Planning. *Journal of the American Institute of Planners*, 35(5), 301–310. <https://doi.org/10.1080/01944366908977240>
- Borona, G., & Ndiema, E. (2014). Merging research, conservation and community engagement: Perspectives from TARA's rock art community projects in Kenya. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, 4(2), 184–195.
- Bruku, S. (2015). Community Engagement in Historical Site Protection: Lessons from the Elmina Castle Project in Ghana. *Conservation and Management of Archaeological Sites*, 17(1), 67–76. <https://doi.org/10.1179/1350503315Z.00000000094>
- Chahardowli, M., & Sajadzadeh, H. (2022). A strategic development model for regeneration of urban historical cores: A case study of the historical fabric of Hamedan City. *Land Use Policy*, 114, 105993.
- Cohen, M., & Wiek, A. (2017). Identifying Misalignments between Public Participation Process and Context in Urban Development. *Challenges in Sustainability*, 5(2), 11–22. <https://doi.org/10.12924/cis2017.05020011>
- Connelly, S. (2010). Participation in a Hostile State: How do Planners Act to Shape Public Engagement in Politically Difficult Environments? *Planning Practice & Research*, 25(3), 333–351. <https://doi.org/10.1080/02697459.2010.503427>
- Council, B. (2020). The missing pillar: Culture's contribution to the UN sustainable development goals. *Report, British Council*.

- Creighton, J. L. (1996). *Involving citizens in community decision making: A guidebook*. Program for Community Problem Solving.
- Davies, A. (2001). What silence knows-planning, public participation and environmental values. *Environmental Values*, 10(1), 77–102.
- Dell’Anna, F., & Dell’Ovo, M. (2022). A stakeholder-based approach managing conflictual values in urban design processes. The case of an open prison in Barcelona. *Land Use Policy*, 114, 105934. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105934>
- Dormaels, M. (2016). Participatory management of an urban world heritage site: The Table de Concertation du Vieux-Québec. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, 6(1), 14–33. <https://doi.org/10.1108/JCHMSD-11-2014-0038>
- Erfani, G., & Roe, M. (2020). Institutional stakeholder participation in urban redevelopment in Tehran: An evaluation of decisions and actions. *Land Use Policy*, 91, 104367. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2019.104367>
- Ericson, J. A. (2006). A participatory approach to conservation in the Calakmul Biosphere Reserve, Campeche, Mexico. *Landscape and Urban Planning*, 74(3–4), 242–266.
- Esmailpoorarabi, N., Yigitcanlar, T., Kamruzzaman, M., & Guaralda, M. (2020). How can an enhanced community engagement with innovation districts be established? Evidence from Sydney, Melbourne and Brisbane. *Cities*, 96, 102430.
- Forester, J. (1982). Planning in the Face of Power. *Journal of the American Planning Association*, 48(1), 67–80. <https://doi.org/10.1080/01944368208976167>
- Forester, J. (1999). *The deliberative practitioner: Encouraging participatory planning processes*. MIT Press. [https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=ywJXreTL0BcC&oi=fnd&pg=PR9&dq=Forester,+J.+\(1999\).+The+deliberative+practioner,+encouraging+participatory+planning+processes.+Boston:+Massachusetts+Institute+of+Technology+Press.&ots=W-Y85XJGU_&sig=dyAtLtjwyxR_E84kignfLRSzrHY](https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=ywJXreTL0BcC&oi=fnd&pg=PR9&dq=Forester,+J.+(1999).+The+deliberative+practioner,+encouraging+participatory+planning+processes.+Boston:+Massachusetts+Institute+of+Technology+Press.&ots=W-Y85XJGU_&sig=dyAtLtjwyxR_E84kignfLRSzrHY)
- Foughi, M., de Andrade, B., Roders, A. P., & Wang, T. (2023). Public participation and consensus-building in urban planning from the lens of heritage planning: A systematic literature review. *Cities*, 135, 104235. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104235>
- Foughi, M., De Andrade, B., Roders, A. P., & Wang, T. (2023). Public participation and consensus-building in urban planning from the lens of heritage planning: A systematic literature review. *Cities*, 135, 104235. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104235>
- Gans, H. J. (1994). *People, plans, and policies: Essays on poverty, racism, and other national urban problems*. Columbia University Press. [https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=ITRBBDefbAgC&oi=fnd&pg=PR9&dq=Gans,+H.+\(1993\).+People,+places,+and+policies:+Essays+on+poverty,+racism+and+other+national+urban+problems.+New+York:+Columbia+University+Press.&ots=LQ8Rx0VM8y&sig=i-kCeGDynEhdXy83QaZ9pcHbN4U](https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=ITRBBDefbAgC&oi=fnd&pg=PR9&dq=Gans,+H.+(1993).+People,+places,+and+policies:+Essays+on+poverty,+racism+and+other+national+urban+problems.+New+York:+Columbia+University+Press.&ots=LQ8Rx0VM8y&sig=i-kCeGDynEhdXy83QaZ9pcHbN4U)
- General Assembly. (2015). Transforming our world: The 2030 Agenda for Sustainable Development. *UN Doc. A/RES/70/1 (September 25, 2015)*. <https://www.itu.int/en/ITU-T/Workshops-and-Seminars/2022/0808/Documents/Shailendra%20Kumar%20Mishra%20.pdf>
- Guzmán, P. C., Roders, A. R. P., & Colenbrander, B. J. F. (2017). Measuring links between cultural heritage management and sustainable urban development: An overview of global monitoring tools. *Cities*, 60, 192–201. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2016.09.005>





- Habermass, J. (1987). Theory of Communicative Action. Cambridge, Polity Press. In Reed, MS. (2008). Stakeholder Participation for Environmental Management: A Literature Review. *Biological Conservation*, 141, 2417–2431.
- Hassan, G. F., El Hefnawi, A., & El Refaie, M. (2011). Efficiency of participation in planning. *Alexandria Engineering Journal*, 50(2), 203–212.
- Healey, P. (1997). *Collaborative Planning: Shaping Places in Fragmented Societies*. UBC Press. https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=psW_hMb3AH8C&oi=fnd&pg=PR10&ots=ZoqwE-G5bL&sig=pZH03lC38wQVBwoLx_D5lIKI1uQ
- Hopkins, D. (2010). The emancipatory limits of participation in planning: Equity and power in deliberative plan-making in Perth, Western Australia. *The Town Planning Review*, 55–81.
- Hosagrahar, J., Soule, J., Girard, L. F., & Potts, A. (2016). Cultural heritage, the UN sustainable development goals, and the new urban agenda. *BDC. Bollettino Del Centro Calza Bini*, 16(1), 37–54.
- Hui, E. C., Chen, T., Lang, W., & Ou, Y. (2021). Urban community regeneration and community vitality revitalization through participatory planning in China. *Cities*, 110, 103072. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103072>
- Husnéin, A. (2017). The evolving role of modern urbanistic heritage in shaping sustainable public realm: The case of Abu Dhabi. *International Review for Spatial Planning and Sustainable Development*, 5(3), 5–24.
- Innes, J. E. (1998). Information in Communicative Planning. *Journal of the American Planning Association*, 64(1), 52–63. <https://doi.org/10.1080/01944369808975956>
- Ji, X., Shao, L., & Du, Y. (2020). Collaborating with local communities to identify improvement priorities for historic urban landscape based on residents' satisfaction: An application of asymmetric impact-performance analysis in Dandong, China. *Sustainability*, 12(4), 1463.
- Jokilehto, J. (2007). International charters on urban conservation: Some thoughts on the principles expressed in current international doctrine. *City & Time*, 3(3), 2.
- Jones, P. S. (2003). Urban Regeneration's Poisoned Chalice: Is There an Impasse in (Community) Participation-based Policy? *Urban Studies*, 40(3), 581–601. <https://doi.org/10.1080/0042098032000053932>
- Kaamah, A. F., Doe, B., & Asibey, M. O. (2023). Policy and practice: Stakeholders' satisfaction with conventional and participatory land use planning in Ghana. *Urban Governance*. <https://doi.org/10.1016/j.ugj.2023.06.002>
- Kırmızı, Ö., & Karaman, A. (2021). A participatory planning model in the context of Historic Urban Landscape: The case of Kyrenia's Historic Port Area. *Land Use Policy*, 102, 105130. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.105130>
- Knieling, J., & Othengrafen, F. (2018). Planning culture—A concept to explain the evolution of planning policies and processes in Europe? In *Planning Cultures and Histories* (pp. 17–31). Routledge. <https://api.taylorfrancis.com/content/chapters/edit/download?identifierName=doi&identifierValue=10.4324/9781315542102-9&type=chapterpdf>
- Kotus, J., & Sowada, T. (2017). Behavioural model of collaborative urban management: Extending the concept of Arnstein's ladder. *Cities*, 65, 78–86.

- Kyung, S. (2018). Searching for ‘community’ and ‘community involvement’ in urban policy. *International Journal of Urban Sciences*, 22(4), 473–485. <https://doi.org/10.1080/12265934.2018.1455529>
- Landorf, C. (2009). A Framework for Sustainable Heritage Management: A Study of UK Industrial Heritage Sites. *International Journal of Heritage Studies*, 15(6), 494–510. <https://doi.org/10.1080/13527250903210795>
- Li, J. (2021). *Local people matter: Towards participatory governance of cultural heritage in China* [Phd Thesis 1 (Research TU/e / Graduation TU/e)]. Eindhoven University of Technology.
- Li, J., Krishnamurthy, S., Pereira Roders, A., & Van Wesemael, P. (2020). Community participation in cultural heritage management: A systematic literature review comparing Chinese and international practices. *Cities*, 96, 102476. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.102476>
- Li, J., Krishnamurthy, S., Pereira Roders, A., & van Wesemael, P. (2020). Informing or consulting? Exploring community participation within urban heritage management in China. *Habitat International*, 105, 102268. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2020.102268>
- Li, J., Krishnamurthy, S., Pereira Roders, A., & van Wesemael, P. (2021). Imagine the Old Town of Lijiang: Contextualising community participation for urban heritage management in China. *Habitat International*, 108, 102321. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2021.102321>
- Li, X., Hui, E. C. M., Chen, T., Lang, W., & Guo, Y. (2019). From Habitat III to the new urbanization agenda in China: Seeing through the practices of the “three old renewals” in Guangzhou. *Land Use Policy*, 81, 513–522. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2018.11.021>
- Li, X., Zhang, F., Hui, E. C., & Lang, W. (2020). Collaborative workshop and community participation: A new approach to urban regeneration in China. *Cities*, 102, 102743. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102743>
- Liu, Y., Jin, X., & Dupre, K. (2022). Engaging stakeholders in contested urban heritage planning and management. *Cities*, 122, 103521. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103521>
- Maksić, M., Dobričić, M., & Trkulja, S. (2018). Institutional limitations in the management of UNESCO cultural heritage in Serbia: The case of Gamzigrad-Romuliana archaeological site. *Land Use Policy*, 78, 195–206. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2018.06.055>
- Mattila, H. (2016). Can collaborative planning go beyond locally focused notions of the “public interest”? The potential of Habermas’ concept of “generalizable interest” in pluralist and trans-scalar planning discourses. *Planning Theory*, 15(4), 344–365. <https://doi.org/10.1177/1473095216640568>
- Mirzakhani, A., Turró, M., & Jalilissadrabad, S. (2021a). Key stakeholders and operation processes in the regeneration of historical urban fabrics in Iran. *Cities*, 118, 103362. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103362>
- Mirzakhani, A., Turró, M., & Jalilissadrabad, S. (2021b). Key stakeholders and operation processes in the regeneration of historical urban fabrics in Iran. *Cities*, 118, 103362. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103362>
- Mohammadi, H. (2010). *Citizen participation in urban planning and management: The case of Iran, Shiraz City, Saadi community*. kassel university press GmbH. [https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=Tue8HJKIPrkC&oi=fnd&pg=PP1&dq=Mohammadi,+H.+\(2010\).+Citizen+participation+in+urban+planning+and+management:+The+case+of+Iran,+Shiraz+City,+Saadi+community.+Kassel+University+Press.&ots=A02-SvDOTn&sig=Y__NeyKidZj3KFS803McGDIN1A](https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=Tue8HJKIPrkC&oi=fnd&pg=PP1&dq=Mohammadi,+H.+(2010).+Citizen+participation+in+urban+planning+and+management:+The+case+of+Iran,+Shiraz+City,+Saadi+community.+Kassel+University+Press.&ots=A02-SvDOTn&sig=Y__NeyKidZj3KFS803McGDIN1A)





- Morrison, N., & Xian, S. (2016). High mountains and the faraway emperor: Overcoming barriers to citizen participation in China's urban planning practices. *Habitat International*, 57, 205–214. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2016.08.001>
- Pereira Roders, A., & Van Oers, R. (2011). World Heritage cities management. *Facilities*, 29(7/8), 276–285. <https://doi.org/10.1108/02632771111130898>
- Pissourios, I. (2014). Top-down and bottom-up urban and regional planning: Towards a framework for the use of planning standards. *European Spatial Research and Policy*, 21(1), 83–99.
- Pintossi, N., Ikiz Kaya, D., & Pereira Roders, A. (2023). Cultural heritage adaptive reuse in Salerno: Challenges and solutions. *City, Culture and Society*, 33, 100505. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2023.100505>
- Poullos, I. (2014). Discussing strategy in heritage conservation: Living heritage approach as an example of strategic innovation. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, 4(1), 16–34.
- Pourzakarya, M., & Bahramjerdi, S. F. N. (2021). Community-led regeneration practice in Ghalam Gudeh District, Bandar Anzali, Iran: A participatory action research (PAR) Project. *Land Use Policy*, 105, 105416. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105416>
- Rey-Perez, J., & Siguencia Ávila, M. E. (2017). Historic urban landscape: An approach for sustainable management in Cuenca (Ecuador). *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, 7(3), 308–327.
- Ryu, H., Lee, J. S., & Lee, S.-Y. (2017). Participatory Neighborhood Revitalization Effects on Social Capital: Evidence from Community Building Projects in Seoul. *Journal of Urban Planning and Development*, 144, 04017025–1. [https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)UP.1943-5444.0000416](https://doi.org/10.1061/(ASCE)UP.1943-5444.0000416)
- Scheffler, N. (2011). The Road to Success integrated management of historic town's guidebook, Urbact II Project HerO-Heritage as Opportunity. *Regensburg: European Union*.
- Schmidt, P. R. (2014). Community heritage work in Africa: Village-based preservation and development. *Conservation Science in Cultural Heritage*, 14(2), 133–150.
- Simakole, B. M., Farrelly, T. A., & Holland, J. (2019). Provisions for community participation in heritage management: Case of the Zambezi Source National Monument, Zambia. *International Journal of Heritage Studies*, 25(3), 225–238. <https://doi.org/10.1080/13527258.2018.1481135>
- Sirisrisak, T. (2009). Conservation of Bangkok old town. *Habitat International*, 33(4), 405–411.
- Stacchini, A., Guizzardi, A., & Mariotti, A. (2022). Smoothing down arbitrariness in planning: From SWOT to participatory decision making. *Land Use Policy*, 119, 106213. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2022.106213>
- Swapan, M. S. H. (2016). Who participates and who doesn't? Adapting community participation model for developing countries. *Cities*, 53, 70–77. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2016.01.013>
- Tweed, C., & Sutherland, M. (2007). Built cultural heritage and sustainable urban development. *Landscape and Urban Planning*, 83(1), 62–69.
- UNESCO, W. (2011). Recommendation on the historic urban landscape. *Proceedings of the Records of the General Conference 36th Session*.
- UNESCO, W. (2015). Policy document for the integration of a sustainable development perspective into the processes of the World Heritage Convention. *Paris: General Assembly of States Parties to the World Heritage Convention at Its 20th Session*.

- Van Ewijk, H. (2011). Collaboration in community research: Samenwerking in buurtonderzoek. *European Journal of Social Work, 14*(1), 41–52. <https://doi.org/10.1080/13691457.2010.516630>
- Van Oers, R., & Pereira Roders, A. (2012). Historic cities as model of sustainability. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development, 2*(1), 4–14.
- Vučković, M., & Maruna, M. (2017). Notes on the development of the urban heritage management concept in contemporary policies. *Spatium, 38*, 42–50.
- Wang, H., Zhao, Y., Gao, X., & Gao, B. (2021). Collaborative decision-making for urban regeneration: A literature review and bibliometric analysis. *Land Use Policy, 107*, 105479. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105479>
- Wang, Y., Yamaguchi, K., & Wong, Y. D. (2020). The multivalent nexus of redevelopment and heritage conservation: A mixed-methods study of the site-level public consultation of urban development in Macao. *Land Use Policy, 99*, 105006. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.105006>
- Wijesuriya, G., & Thompson, J. (2017). Court, S. People-centred approaches: Engaging communities and developing capacities for managing heritage. *Heritage, Conservation and Communities: Engagement, Participation and Capacity Building; Chitty, G., Ed*, 34–50.
- Xu, J. (2007). Community participation in ethnic minority cultural heritage management in China: A case study of Xianrendong ethnic cultural and ecological village. *Papers from the Institute of Archaeology, 18*. <https://student-journals.ucl.ac.uk/pia/article/id/33/print/>
- Yung, E. H. K., Chan, E. H. W., & Xu, Y. (2014). Sustainable Development and the Rehabilitation of a Historic Urban District - Social Sustainability in the Case of Tianzifang in Shanghai: Sustainable Development, Social, Rehabilitation Urban Historic Districts, Shanghai. *Sustainable Development, 22*(2), 95–112. <https://doi.org/10.1002/sd.534>
- Yung, E. H. K., Zhang, Q., & Chan, E. H. W. (2017a). Underlying social factors for evaluating heritage conservation in urban renewal districts. *Habitat International, 66*, 135–148. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2017.06.004>
- Yung, E. H. K., Zhang, Q., & Chan, E. H. W. (2017b). Underlying social factors for evaluating heritage conservation in urban renewal districts. *Habitat International, 66*, 135–148. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2017.06.004>
- Zhang, Z., Sherman, R., Yang, Z., Wu, R., Wang, W., Yin, M., Yang, G., & Ou, X. (2013). Integrating a participatory process with a GIS-based multi-criteria decision analysis for protected area zoning in China. *Journal for Nature Conservation, 21*(4), 225–240. <https://doi.org/10.1016/j.jnc.2012.12.006>
- Zhao, Y., Ponzini, D., & Zhang, R. (2020). The policy networks of heritage-led development in Chinese historic cities: The case of Xi'an's Big Wild Goose Pagoda area. *Habitat International, 96*, 102106.
- Zhong, X., & Leung, H. H. (2019). Exploring participatory microregeneration as sustainable renewal of built heritage community: Two case studies in Shanghai. *Sustainability, 11*(6), 1617.





Received: 2024/01/30

Accepted: 2024/06/09

Community-Led Conservation and Development; Towards Participatory Planning in Urban Heritage Management

Hamid Salimi* Somayeh Fadainejad**

Abstract

5

Although the integrated conservation and development approach has a comprehensive concept, it is still exposed to the dual challenges of "conservation" and "development", which itself indicates structural weaknesses in this approach. One of the most important of these weaknesses is the neglect of communities in managing changes caused by conservation and development and the ability of the community, especially the local community, to integrate conservation and development.

Therefore, the main goal of the research is to achieve the conceptual framework of community-led conservation and development, and achieving it requires answering the question, what are the principles and effective components in the approaches of "integrated conservation and development" and "public participation"? And how can their combination be the basis for creating a single approach in urban heritage management? According to the questions raised, this article adopts a qualitative method and is structured based on previous researches and theories. The previous studies were organized and presented in the form of a conceptual framework, through the strategy of logical reasoning and by linking the identified components of the three variables "integrated conservation and development", "participatory planning" and "participatory conservation". The achievement of this research is to present a community-led conservation and development framework that includes community participation criteria under the four principles of integrated conservation and development approach. Based on this, the principles of this framework require 1- recognizing the value and semantic importance of heritage through redefining the characteristics, empowering local people and emphasizing non-specialized knowledge; 2- Adhering to the principles of managing historical cities by ensuring feasibility, local supervision and increasing responsibility in urban management; 3- Adhering to the goals of sustainable development by reducing the inequalities of social development, promoting social interactions and restoring vitality to the historical urban context, and finally 4- Resolving the conflicts of conservation and development by creating a dialogue between stakeholders, balancing policies in the decision-making framework and integrating conservation and The development will be by the needs, issues and problems of the society.

keywords: Community-led Conservation and Development; Participatory Planning, Urban Heritage Management; Participatory Conservation and Development; Integrated Conservation and Development

*PhD student, Faculty of Architecture, University of Tehran, Tehran.

** Associate Professor, Faculty of Architecture, University of Tehran, Tehran.

sarafadaei@ut.ac.ir